

# نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال اول / شماره ۱ / دی ماه ۱۴۰۰



## برخی عناوین این شماره:

\* چاپ یک نشریه تخصصی برای نابینایان به خط بریل، رؤیایی که محقق شد

\* پای حرف مرد قانون

\* بازتوانی آسیب دیدگان بینایی، راهی دشوار اما ممکن!

\* تصمیم‌گیری درباره زندگی فرد نابینا در مدرسه شبانه‌روزی غیر خاص

\* چرا نباید بریل بدانیم

## فهرست مطالب

۲	..... همکاران این شماره
۲	..... چاپ یک نشریه تخصصی برای نابینایان به خط بریل؛ رؤیایی که محقق شد
۴	..... گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (دی ماه ۱۴۰۰)
۶	..... پیش‌خان: مروری بر یادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژه آسیب‌دیدگان بینایی
۱۰	..... بازتوانی؛ راهی دشوار، اما ممکن!
۱۲	..... پای حرف مرد قانون: صاحبه «نسل مانا» با حمید نجاتی، وکیل نابینا:
۱۵	..... لاتک چیست و چرا به آن نیاز داریم؟
۱۷	..... تصمیم‌گیری درباره زندگی فرد نابینا در مدرسه شبانه‌روزی غیرخاص
۱۹	..... نقش برساخت اجتماعی معلولیت در سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان در ایران: گزارشی از یک پژوهش در حوزه معلولیت
۲۱	..... ادراک مدیران از مقوله معلولیت
۲۳	..... مهمانی و میزبان نابینا یا کم‌بینا
۲۶	..... پرورش اعتمادبه‌نفس، راهکاری برای بسیاری از چالش‌های نابینایان
۲۹	..... تازه‌های کتاب صوتی
۳۲	..... نسل مانا
۳۳	..... چرا نباید بریل بدانیم
۳۵	..... توصیف طرح روی جلد و پشت جلد نسل مانا

## همکاران این شماره

نویسندگان: بیتا، فاطمه جوادیان، شهروز حسینی، امیر سرمدی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، میرهادی نائینی‌زاده، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، امین عرب و امید هاشمی

ویراستار: داوود محمدی

ویراستار بریل: روح الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، امیر سرمدی، منصور شادکام، مسعود طاهریان، هادی نائینی‌زاده و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

طراحی و پشتیبانی وبسایت: سعید درفشیان

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتاب‌خانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: بانک مسکن، فناوا کارت، پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

## چاپ یک نشریه تخصصی برای نابینایان به خط بریل؛ رؤیایی که محقق شد

امیر سرمدی: مدیرمسئول

سخن از شروع یک راه پرفرازونشیب است. راهی که از دی‌ماه سال ۹۹ و در بحبوحه شیوع کرونا در کشور آغاز شد. با حمایت انجمن نابینایان ایران و همراهی چند نفر از هم‌نوعان صاحب دغدغه‌مان، انتشار مجله الکترونیکی نابینایان ایران (مانا) را در قالب یک ماهنامه آغاز کردیم. هدف‌گذاری اولیه ما انتشار نسخه صوتی و



الکترونیک مجله مانا بود؛ اما همواره در تلاش بودیم تا این نشریه به خط رسمی نابینایان (بریل) هم به‌دست آن‌ها برسد.

### بروکراسی اداری برای اخذ مجوز

برای رسمیت‌بخشی به هدفی که دنبال می‌کردیم، از همان روزهای نخست اقدام به اخذ مجوز از معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کردیم. فرایندی که برخلاف انتظارمان، قریب به یک سال به طول انجامید و نشریه‌ای که پیش رویتان است، در آذرماه ۱۴۰۰ با شماره ثبت ۸۹۱۸۴ و با نام «نسل مانا» پروانه انتشار گرفت. این مجوز با موضوع نشریه فرهنگی-اجتماعی و در قالب ماهنامه سراسری فارسی و به خط بریل صادر شده است.

بروکراسی پیچیده حاکم بر نهادهای مرتبط با ارائه مجوز هم، از آن قصه‌های تأمل‌برانگیز در ایران است؛ در حالی که مقامات بلندپایه کشورمان همواره فرهنگ را بذر هویت یک ملت و از ارکان توسعه جوامع قلمداد می‌کنند، در دیگر سو، مرجعی که مسئول صدور مجوز یک نشریه فرهنگی، آن‌هم برای آسیب‌دیدگان بینایی است، آن‌قدر این فرایند را به تأخیر می‌اندازد که دیگر انگیزه‌ای برای فعالان این عرصه باقی نمی‌ماند. هرچند ما در راهی که انتخاب کرده‌ایم، ثابت‌قدم‌تر از آن هستیم که با این سنگ‌اندازی‌ها دل‌سرد شویم؛ اما وزارت ارشاد می‌بایست در سازوکار صدور مجوزها تجدیدنظر کرده و سریعاً برای اصلاح و به‌روزرسانی سامانه جامع رسانه‌های کشور اقدام کند؛ سامانه‌ای که مبنای بسیاری از اطلاعات بارگذاری‌شده در آن، قوانین سال‌های قبل است و مدیران این وزارتخانه، زحمت به‌روزرسانی قوانین را به خود نداده‌اند.

### مراکزی که همدل نبودند

بعد از صدور مجوز، بلافاصله برای چاپ این ماهنامه به خط بریل اقدام کردیم. حجم مطالب و کثرت موضوعات در نسل مانا باعث می‌شود این نشریه در مقایسه با اندک موارد مشابه در سال‌های اخیر، مسیری به‌مراتب دشوارتر برای چاپ بریل پیش رو داشته باشد. نسل مانا قرار است با ۱۳ تا ۱۵ عنوان در هر شماره و در ۱۱۰ صفحه بریل به چاپ برسد، حال آنکه هیچ‌کدام از نشریات ویژه نابینایان تاکنون در این حجم منتشر نشده‌اند. برای تأمین زیرساخت چاپ بریل، با برخی از مراکز بزرگ چاپ و نشر بریل در کشور مذاکره کردیم. با توجه به اینکه تا به حال تجربه‌ای در این زمینه نداشته‌ایم، از

بزرگان‌مان انتظار حمایت و همدلی بیشتری داشتیم؛ اما ظاهراً تصورمان از این مراکز که عمده آن‌ها با بودجه دولتی نیز اداره می‌شوند، اشتباه بود و کار فرهنگی، از نظر برخی دست‌اندرکاران، به قدر ادعایی که می‌کنند، ارزشمند نیست و در دنیای امروز، حتی با مایه هم فطیر است. هزینه چاپ بریل را به‌گونه‌ای با شما حساب می‌کنند که گویی قرار است این نشریه در سراسر کشور روی دکه‌های روزنامه‌فروشی و با قیمت‌های آن‌چنانی به فروش برسد و صاحب‌امتیاز نشریه، با یک برنامه اقتصادی پربازده، قدم در این مسیر گذاشته است. ماجرا آنجایی تأسف‌برانگیزتر می‌شود که مدیران برخی از این مراکز، خود نیز از هم‌نوعان‌مان هستند. شاید یکی از عوامل عدم توسعه و پیشرفت این مراکز در سال‌های اخیر، حضور چنین مدیرانی باشد. در نهایت، با رویکرد مثبت روح‌الله رنجبر، از نابینایان منصف و همدل در استان یزد، قرار است این نشریه به خط بریل در این استان چاپ و در سراسر کشور توزیع شود. تهیه کاغذ بریل که یکی از چالش‌های اصلی دست‌اندرکاران نسل‌مانا برای انتشار نسخه بریل بوده است، برطرف شده و نسخه چاپی نسل‌مانا، از این پس روی کاغذهای مرغوب، چاپ شده و به‌دست مخاطبان خواهد رسید.

## فرسودگی زیرساخت‌های چاپ بریل در ایران

چاپ یک ماهنامه به خط بریل، همان‌طور که در بالا اشاره شد، مشکلات خاص خود را دارد. یکی دیگر از معضلات پیش روی ما در این راه، فرسودگی چاپگرهای بریل وارداتی و قیمت بالای نمونه‌های تولید داخل است. چاپگرهایی که ظرف دو دهه اخیر وارد ایران شده‌اند،

عمدتاً دچار خرابی قطعات و فرسودگی شده‌اند و قیمت نمونه‌های داخلی که همین دو سال پیش، ۷۵ میلیون تومان بود، در سال جاری به حدود ۳۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است؛ به همین خاطر، تجهیز یک چاپخانه مجهز برای چاپ و نشر بریل، هزینه‌های هنگفتی دارد و حمایت سازمان‌های متولی را می‌طلبد. روزنامه ایران سپید نیز در سال‌های اخیر همواره با این معضل دست‌به‌گریبان بوده است و برای رفع آن باید اقدامات عاجلی از طرف نهادهای مرتبط صورت گیرد.

## انتشار نسخه بریل سازمانی از شماره نخست

با توجه به محدودیت‌های منابع مالی، در ابتدا، نسخه بریل ماهنامه نسل‌مانا در مراکز کتابخانه‌ای و انجمن‌های فعال ویژه نابینایان توزیع خواهد شد. در آغاز راه، مجله برای مراکزی ارسال می‌شود که نابینایان، رفت‌وآمد بیشتری به آن‌ها دارند. اسامی و راه‌های ارتباطی این مراکز روی [پایگاه اینترنتی نسل‌مانا](#) قرار

گرفته است. شرایط و نحوه دریافت اشتراک شخصی هم موضوعی است که در طول ماه به‌همین، از طریق نسل‌مانا و سایر پایگاه‌های اینترنتی ویژه نابینایان، به اطلاع عموم خواهد رسید. تلاش می‌کنیم زیرساخت‌ها را به‌گونه‌ای فراهم کنیم که بتوانیم توزیع غیرسازمانی نسل‌مانا را از اسفند سال جاری یا حداکثر فروردین ۱۴۰۱ آغاز کنیم. قدر مسلم آنکه پرداخت معادل هزینه تمام‌شده هر نسخه، برای اغلب متقاضیان غیرسازمانی امکان‌پذیر نخواهد بود و از همین رو ما هم تلاش می‌کنیم تمهیدی بیندیشیم که این گروه از متقاضیان

بتوانند با پرداخت بخش کوچکی از قیمت تمام‌شده، این ماهنامه را دریافت کنند.

## لزوم حمایت سازمان‌ها از انجمن نابینایان ایران

انتشار هفته‌نامه، ماهنامه و به‌طور کلی، نشریات تخصصی برای نابینایان در کشورهای توسعه‌یافته، بیش از یک سده سابقه دارد. مسئله‌ای که سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران تاکنون نسبت به آن توجه چندانی نداشته‌اند. مبادرت به انتشار نشریه در سازمانی مردم‌نهاد مثل انجمن نابینایان ایران، صرفاً اقدامی در جهت ارتقای سطح فرهنگی و علمی افراد آسیب‌دیدهٔ بینایی است و پر واضح است که اقداماتی از این نوع نمی‌تواند دستاویزی برای سودآوری مالی در نظر گرفته شود؛ بنابراین، چنانچه سازمان‌ها، شرکت‌ها و به‌طور کلی، بنگاه‌های اقتصادی از این پروژه حمایت نکنند، تداوم آن امکان‌پذیر نخواهد بود. همکاری بیست نفر از نابینایان صاحب‌قلم و اندیشه در تیم تحریریهٔ نسل مانا که به‌تدریج با اسامی و محتوای سرویس‌های‌شان آشنا خواهید شد، به این اقدام فرهنگی، ابعادی بسیار فراتر از توان مدیریتی و اقتصادی یک سازمان مردم‌نهاد در ایران بخشیده است.

## توجه ویژه به جنبه‌های بصری

اعتقاد غالب در میان تولیدکنندگان یا تهیه‌کنندگان محصولات ویژهٔ آسیب‌دیدگان بینایی این است که با توجه به نابینایی کاربران، مباحث زیبایی‌شناختی و ظرافت‌های دیداری این محصولات اولویت چندانی ندارند. رویکرد مدیران و دست‌اندرکاران نشریهٔ نسل مانا نسبت به این انگاره کاملاً متفاوت است؛ از این‌رو، تصمیم گرفتیم برای لوگو، روجلدی و پشت جلدی نسخهٔ بریل مجله، تمامی عناصر زیبایی‌شناختی را مدنظر قرار دهیم. اعتقاد داریم جامعهٔ نابینایان لایق بهترین‌ها و زیباترین‌ها است. هرچند مخاطبان این نشریه عمدتاً از میان معلولان با آسیب بینایی هستند؛ اما سعی شده است ماهنامهٔ نسل مانا از نظر صفحه‌بندی و صفحه‌آرایی، تمامی استانداردهای نشریات کثیرالانتشار را رعایت کند. مخلص کلام آنکه، پس از یک سال تلاش بی‌وقفه توانستیم چاپ یک نشریهٔ تخصصی برای نابینایان را به خط بریل آغاز کنیم. افراد زیادی در تحقق این رؤیا سهیم هستند و امیدوارم ثمرهٔ انتشار این ماهنامه، افزایش آگاهی‌بخشی اعضای جامعهٔ هدف و تولید محتوای دست‌اول برای قشری باشد که از نظر دسترسی به منابع مطالعاتی روز دنیا به خط بریل، به‌شدت در مضیقه هستند.

## گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (دی‌ماه ۱۴۰۰)

### منصور شادکام؛ قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران

آنچه در ادامه از نظر مخاطبان می‌گذرد، خلاصه‌ای است از فعالیت‌های انجمن نابینایان ایران در طول یک ماه گذشته. شما می‌توانید ذیل همین نوشته در وب‌سایت نسل مانا، مشروح این گزارش را با صدای مهندس منصور شادکام، قائم‌مقام انجمن هم بشنوید.

انجمن نابینایان ایران در طول ماه گذشته، هم مثل همیشه درخواست‌ها، مطالبات و پیشنهادهای اعضای خود خطاب به مسئولین را در قالب نامه‌هایی دریافت کرده و پیگیری‌هایی هم متناسب با محتوای نامه‌ها انجام داده است که چون هنوز به نتیجه نرسیده، امکان ارائهٔ جزئیات بیشتر در این باره، وجود ندارد؛ همچنین توزیع هشتاد بسته سبد کالا در میان نابینایانی

# نسل‌مانا

۵

که از نظر اقتصادی و معیشتی در شرایط ویژه بودند هم در دستور کار انجمن در طول یک ماه گذشته بوده است؛ اما بدون شک فراهم‌شدن امکان چاپ بریل ماهنامه نسل مانا بعد از یک سال، مهم‌ترین اتفاق ماه پیش در انجمن محسوب می‌شود. علی‌رغم تمام مشکلات ناشی از گرانی کاغذ و محدودیت‌های چاپ بریل، بالاخره این مهم صورت پذیرفت و از این ماه و با انتشار نخستین شماره رسمی ماهنامه نسل مانا، مخاطبان می‌توانند آن را به شکل بریل هم در اختیار داشته باشند؛ البته در آغاز، تصمیم بر این شد که این ماهنامه برای کتابخانه‌های تحت پوشش انجمن (کتابخانه‌های سامسونگ)، بخش‌های نابینایان در نهاد کتابخانه‌های عمومی و انجمن‌های فعال در حوزه نابینایان ارسال شود، تا به مرور، شرایط برای تأمین درخواست اشتراک افراد هم مهیا شود. نسل مانا در آغاز راه است و مطمئناً کاری که به‌تازگی شروع شده، خالی از اشکال نخواهد بود. من از مخاطبان این نشریه تقاضا می‌کنم آن را به‌دقت مطالعه کنند و هرگونه پیشنهاد و انتقاد را با تحریریه این نشریه در میان بگذارند. امید است بتوانیم با عنایت به نقد سازنده شما، مطالب درخوری را از طریق این نشریه در اختیار عموم نابینایان قرار دهیم. نسل مانا در حال حاضر تنها ماهنامه تخصصی در حوزه نابینایان است و ما سعی کرده‌ایم با انتشار آن به اشکال گوناگون اعم از صوتی، الکترونیکی و بریل، شرایطی را ایجاد کنیم که همه نابینایان بتوانند از محتوای آن بهره‌مند شوند. سعی خواهیم کرد در طول ماه بهمن، مراتب ثبت‌نام علاقه‌مندان به دریافت نسخه شخصی نسل مانا را هم فراهم کنیم. انجمن در طول سال‌های گذشته سعی کرده برای رکن فرهنگ در زندگی نابینایان اهمیت ویژه‌ای قائل باشد و فرهنگ‌سازی را از طرق مختلف سرلوحه فعالیت‌هایش قرار دهد. انتشار نسل مانا هم، در همین راستا طبقه‌بندی می‌شود. امید است بتوانیم در قالب محتوای تولیدشده در نسل مانا، به ارتقای سطح علمی و فرهنگی نابینایان کمک کنیم و جامعه نابینایان را به سمتی پیش ببریم که دغدغه یک فرد معلول، فقط معلولیتش باشد و نه فقر علمی و فرهنگی و مواردی از این دست.

نکته دیگری که در شرایط کنونی حائز اهمیت است، رویکردی است که دولت جدید به حوزه افراد دارای معلولیت نشان خواهد داد. با انتصابات و تغییراتی که در کابینه رخ داد و با توجه به شعار انقلابی‌گری و رفتار جهادی در میان منصوبین جدید در وزارت تعاون، کار و

رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی، این امید به‌وجود آمد که مسئولین جدیدالورود، سریعاً نسبت به اصلاح ساختارها اقدام کنند. قادری، رئیس جدید سازمان، در جلسه معارفه، حکم ریاست را روی سر گذاشت و خود را خادم معلولین اعلام کرد و همین امر، این نوید را در دل فعالان به‌وجود آورد که انتصابات تازه به‌زودی انجام خواهد شد؛ اما با گذشت زمان قابل توجه از ورود قادری به سازمان، هنوز تغییرات مدنظر جامعه افراد دارای معلولیت صورت نگرفته است. مشخصاً با توجه به اینکه بیشترین ارتباط افراد دارای معلولیت با بهزیستی، از مجرای معاونت توان‌بخشی صورت می‌گیرد، انتظار می‌رود هرچه سریع‌تر برای این حوزه تصمیم‌گیری صورت پذیرد و فردی قوی، باسواد، جوان، پرنرژی، متعهد و متخصص، زمام امور را در این معاونت به‌دست گیرد. تأمین تجهیزات توان‌بخشی، از جمله خواسته‌های به‌حق معلولان بود؛ اما در طول سال‌های گذشته، توجه کافی در این زمینه مبذول نشد و افراد دارای معلولیت، خاصه نابینایان، علی‌رغم وعده‌هایی که در این خصوص داده شد، در تأمین تجهیزات کمک‌زیستی با چالش‌های فراوان دست‌به‌گریبان بودند. امید است با پوست‌اندازی این معاونت، اندکی از مشکلات و درد و رنج نابینایان در زمینه تأمین تجهیزات توان‌بخشی، کاهش یابد.

انجمن نابینایان ایران، در روزهای گذشته، پیگیری‌هایی را هم برای روشن‌شدن وضعیت روزنامه ایران سپید آغاز کرده و در این راستا، گفت‌وگوهایی را هم با خبرگزاری‌ها و شبکه‌های رادیویی انجام داده و از مسئولین مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران که متولی این روزنامه است،

درباره توقف دو ساله انتشار این روزنامه، توضیح خواسته است. این روزنامه، به‌عنوان گنجینه ۲۵ ساله فرهنگی نابینایان، از جایگاه ویژه‌ای در میان این گروه برخوردار است و تعلیق انتشار آن، خوشایند نابینایان نیست. دو سال پیش، چاپ بریل روزنامه به‌علت شرایط همه‌گیری و احتمال انتقال بیماری کووید ۱۹ از راه لمس، به‌طور موقت، متوقف شد؛ اما بعد از گذشت دو سال، این توقف موقتی هنوز تمام نشده و مدیران جدید مؤسسه هم هیچ تلاشی برای رفع ابهام‌های موجود، نمی‌کنند. انتظار می‌رود نهادهایی مثل بهزیستی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مؤسسه ایران همکاری کنند تا هم تجهیزات مرکز رودکی که کار چاپ روزنامه در آن انجام می‌شود، نوسازی شود و هم کاغذ لازم برای انتشار روزنامه تأمین شود تا بتوانیم شاهد چاپ و توزیع دوباره ایران سپید در سطح کشور باشیم.

آخرین نکته قابل‌عرض اینکه، در همکاری میان انجمن نابینایان ایران و شرکت موناکو، از واردکنندگان عطر و ادکلن، یک نفر از نابینایان به استخدام این شرکت در آمد و از اول دی، به‌عنوان مأمور از سوی این شرکت، در انجمن نابینایان ایران مشغول به کار می‌شود. این، روشی پسندیده و کارآمد است که امیدواریم سایر کسب‌وکارها هم مبادرت به انجام چنین همکاری‌هایی با انجمن‌ها و مراکز نابینایان کنند تا بتوان از این طریق، گامی مؤثر در جهت رفع مشکل اشتغال افراد آسیب‌دیده بینایی برداشت. در پایان از توجه شما به این گزارش سپاسگزاری کرده و برایتان از درگاه خداوند متعال، سلامتی و بهروزی آرزو می‌کنم.

## پیش‌خان: مروری بر پادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژه آسیب‌دیدگان بینایی

### امید هاشمی: سردبیر

در اولین شماره از پیش‌خان در نسل مانا شما را با قابلیت‌هایی آشنا خواهیم کرد که در صفحه‌خوان جاز، برای علاقه‌مندان به ریاضی تعبیه شده است؛ همچنین از دو نابینا خواهیم گفت که یکی به کمک جاز به‌مناسبت کریسمس نورپردازی می‌کند و دیگری هم به مدت چهارده سال، دبیرکلی اتحادیه جهانی نابینایان را به‌عهده داشته است. از یک ابزار تازه در زمینه مسیریابی خواهیم گفت. با شیوه پادکست‌سازی یک پادکستر نابینا آشنا خواهیم شد و شرح زندگانی یک چهره نابینا و مسیر موفقیتش را واکاوی خواهیم کرد.

### سوروساتی به افتخار ریاضی‌دان‌ها

نوجوانان امروز را نمی‌دانم؛ اما حکایت من و هم‌سن‌وسال‌هایم یا حتی نابینایان بزرگ‌تر از من، در مواجهه با ریاضی، حکایت غریبی داشت. از نظر متولیان آموزشی زمان ما، گویی ریاضی جن بود و نابینایی بسم‌الله! اما حالا ورق برگشته و در گشت‌وگذارم در میان مطالبی که آن‌سوی آب‌ها برای نابینایان تولید می‌شود، زیاد مواجه می‌شوم با آموزش‌ها و ابزارهایی که فراگیری ریاضیات را برای نابینایان تسهیل می‌کند. یکی از شرکت‌هایی که در این مسیر تلاش‌های فراوانی



کرده، شرکت «فَریدم ساینٹیفیک<sup>۱</sup>»، عرضه‌کننده صفحه‌خوان جاز است. اخیراً به‌مناسبت پایان سال میلادی، این شرکت در وبلاگش مطلبی منتشر کرده و دستاوردهای ۲۰۲۱ را برشمرده است. یکی از مواردی که در این نوشته موردتوجه نویسنده این پست وبلاگی قرار گرفته، امکاناتی است که برای مطالعه محتوای ریاضی به صفحه‌خوان جاز اضافه شده است.

اگر جدیدترین نسخه جاز را روی کامپیوترتان نصب کنید، می‌توانید محتوای ریاضی را (به‌شرط آنکه عکس نباشد) در محیط‌هایی نظیر مرورگرها یا مایکروسافت‌ورد، مطالعه کنید. قضیه شاید با یک مثال روشن‌تر بشود؛ فرض کنید مشغول مطالعه یک سند در ورد هستید. به‌محض اینکه روی یک فرمول ریاضی قرار بگیرید، جاز وجود این فرمول را به شما اطلاع خواهد داد و جزئیاتش را قرائت خواهد کرد؛ البته ماجرا به همین سادگی‌ها هم نیست؛ برای خواندن و نوشتن



فرمول‌های ریاضی به کمک جاز، سه امکان وجود دارد؛ اول، امکانی است که در دسترس همه کاربران، اعم از فقیر و غنی قرار دارد؛ جاز می‌تواند فرمول‌هایی را که از مسیر منوی اینسِرْت<sup>۲</sup> ساخته می‌شوند، بدون هیچ افزونه‌ای، بخواند. این شرکت، نرم‌افزاری طراحی کرده به نام «ویرایشگر ریاضی به بریل<sup>۳</sup>» که استفاده از آن، مستلزم در اختیار داشتن نمایشگر بریل است. ترکیب این نرم‌افزار و نمایشگر بریل، به کاربر امکان می‌دهد به‌سادگی فرمول‌های ریاضی را با استفاده از شش کلید بریل بنویسد و موارد خواندنی را هم با نمایشگر بریل بخواند. این امر قاعداً خیلی گران تمام می‌شود؛ اما این شرکت، راه ارزان‌تری را هم در مقابل علاقه‌مندان قرار داده و آن هم استفاده از نرم‌افزاری به نام «مَث تایپ<sup>۴</sup>» است. این نرم‌افزار که انبوهی از امکانات را برای خواندن و نوشتن ریاضی فراهم می‌کند، برای مصارف شخصی، سالانه چیزی حدود چهل دلار هزینه برمی‌دارد. پرداخت این مبلغ احتمالاً برای یک دانشجو یا علاقه‌مند نابینای رشته ریاضیات، آن‌قدرها هم دور از دسترس به‌نظر نرسد. در نسخه صوتی پیش‌خان، امکانات رایگان جاز برای خواندن ریاضی را به‌تفصیل بررسی کرده‌ایم؛ همچنین از ماشین‌حساب آنلاین رونمایی کرده‌ایم که قابلیت نمودارسازی هم دارد و جاز هم به‌خوبی آن را پشتیبانی کرده است. یادآوری این موضوع هم ضروری است که با توجه به اینکه امکاناتی از این دست، اغلب به زبان انگلیسی طراحی شده‌اند و هنوز ترجمه فارسی آن‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار نگرفته، فراگیری انگلیسی می‌تواند کمک شایانی به نابینایانی بکند که می‌خواهند با تکیه بر این امکانات، علوم نوین را فرا بگیرند.

<sup>۱</sup> Freedom scientific

<sup>۲</sup> Insert

<sup>۳</sup> Braille math editor

<sup>۴</sup> MathType

از دیگر بخش‌های قابل توجه در وبلاگ فریدم ساینتیفیک، آخرین شماره از پادکست «افاس کست<sup>۱</sup>» است که دو موضوع هیجان‌انگیز را مورد توجه قرار داده است؛ میزبان این پادکست، در بخش نخست، با «رایان جونز<sup>۲</sup>» گفت‌وگو کرده که قادر است به کمک جاز و با استفاده از یک نرم‌افزار دسترسی‌پذیر، نورپردازی کند. میهمان بخش دوم این پادکست هم کسی است که به مدت چهارده سال، سِمَت دبیرکل اتحادیه جهانی نابینایان را به عهده داشته است. «پدرو زوریتا<sup>۳</sup>»، زاده اسپانیا است؛ اما خود را اهل جهان می‌داند. به هفت‌هشت زبان زنده دنیا صحبت می‌کند و تا به حال به ۹۹ کشور هم سفر کرده است. در نسخه صوتی پیش‌خان، بخشی را هم به پدرو و رایان و زندگی خارق‌العاده‌شان اختصاص داده‌ایم.

## جهان اطراف را قدم‌به‌قدم کشف کن

تا پیش از فراگیرشدن فناوری‌های هوشمند، نابینایان برای تحقق بسیاری از رؤیاهایشان ممکن بود سال‌ها تلاش کنند؛ اما حالا، به مدد فناوری، امکانات به سرعت برق در حال فراهم‌شدن برای عموم نابینایان است. نمونه‌اش را می‌توانیم در ماجرای چراغ‌های راهنمایی دسترسی‌پذیر ببینیم. نخستین حرکت‌های نابینایان برای قبولاندن جامعه به نصب چراغ‌های راهنمای صوتی دقیقاً به یکصدسال پیش بازمی‌گردد. تلاشی که هشتاد سال طول کشید و سرانجام در سال ۲۰۰۰ در آمریکا به قانون تبدیل شد. حالا اما یک شرکت آلمانی، اقدام به تولید اپلیکیشنی کرده که نابینایان را از کشیدن منت مدیران شهری برای نصب چراغ‌های راهنمای مجهز به هشدار صوتی، بی‌نیاز می‌کند.

مدیران شرکت «آیز<sup>۴</sup>»، مهمان یکی از آخرین شماره‌های پادکست «بلائیندبیلیتیز<sup>۵</sup>» بودند و درباره محصولشان، اپلیکیشن «اوکو<sup>۶</sup>»، توضیحاتی را ارائه کردند. اوکو اپلیکیشنی بی‌نیاز از اینترنت و وای‌فای است که قادر است در تقاطع‌ها، سبز یا قرمز بودن چراغ راهنما را در قالب پیام صوتی یا لرزشی، به کاربر اطلاع دهد؛ البته فعلاً کاربرد این اپلیکیشن به همین یک مورد خلاصه می‌شود؛ اما قرار است به زودی، امکاناتی نظیر تشخیص موانع هنگام حرکت و مسیریابی هم به قابلیت‌هایش اضافه شود. اوکو فعلاً فقط بر بستر آی‌اواس نصب می‌شود و در حال حاضر هم صرفاً از چراغ‌های راهنمایی در آلمان و کشورهای اتحادیه بنلوکس، یعنی بلژیک، هلند و لوکزامبورگ پشتیبانی می‌کند؛ اما [امکانی](#) را هم روی وبسایت فراهم کرده است، تا علاقه‌مندان از کشورهای دیگر هم تمایلشان برای داشتن آیز در کشور محل سکونتشان را به اطلاع سازندگان برسانند. در این فرم همچنین امکانی در نظر گرفته شده تا کاربران درخواست کنند آیز بر بستر اندروید هم قابل استفاده باشد. خدا را چه دیدی؟ شاید درخواست‌های فراوان ایرانی‌ها، منجر به توجه این کمپانی آلمانی به چراغ‌های راهنما در کشورمان شد و ما را از شر چانه‌زنی‌های بی‌پایان با مسئولان شهرداری‌ها، برای نصب چراغ‌های راهنمای مجهز به هشدار صوتی، آن‌هم به شکلی نصفه‌ونیمه و غیرکاربردی، رهانید.

<sup>۱</sup> FSCast

<sup>۲</sup> Ryan Jones

<sup>۳</sup> Pedro Zurita

<sup>۴</sup> AYES

<sup>۵</sup> Blindabilities

<sup>۶</sup> OKO

## ضیافت کریسمس در خانه پیت و نانسی

در طول دوازده شماره‌ای که پیش‌خان را در قالب مانا با شما به اشتراک می‌گذاشتیم، تقریباً شماره‌ای نبود که از «ایز آن ساکسس»<sup>۱</sup> چیزی نقل نکرده باشیم. در این شماره هم به سنت مألوف، به سراغ پیت و نانسی، زن و شوهری می‌رویم که بیش از یک دهه است این پادکست را منتشر می‌کنند. این بار آن‌ها در قالب یک اپیزود نیم‌ساعته، به جای دعوت از مهمان، به موضوع چگونگی تولید پادکستشان پرداخته‌اند و از شکل‌گیری ایده‌ها تا نحوه ضبط و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهایی که استفاده می‌کنند و چم‌وخم‌های بارگذاری و انتشار پادکست‌ها، همه را برای مخاطبان توضیح داده‌اند. این بحث می‌تواند برای نابینایانی که به دنیای پادکست‌سازی علاقه دارند و می‌خواهند با سختی‌های این کار آشنا شوند، جذاب باشد. در نسخه صوتی پیش‌خان، درباره همه مواردی که پیت و نانسی توضیح داده‌اند، گفت‌وگو کرده‌ایم.

## با دختر نابینا؛ از کوه‌های مراکش تا دانشگاه آرکانزاس آمریکا

نامش «ایتو اوتینی»<sup>۲</sup> است. ۳۳ سال دارد و در روستایی در دامنه کوه‌های اطلس مراکش به دنیا آمده است. تا هفده سالگی، به سنت معمول مناطق روستایی مراکش، نه مدرسه و مکتبی دیده و نه در خانه چیزی به او آموخته‌اند. آن‌طور که خودش می‌گوید، حتی قادر به شمردن هم نبوده است. در خانه به شدت تحت ستم و آزار بوده؛ به طوری که در هفده سالگی با پرتاب یک

چنگال از سوی زنی از اقوام، بینایی‌اش را از دست داده است. اتفاقی که خود، آن را نقطه عطف زندگی‌اش می‌داند. از بیمارستان که مرخص شده، دیگر به خانه باز نگشته و مستقیم راهی مدرسه نابینایان شده است. بریل را ظرف مدت یک روز و درس‌های ابتدایی را هم یک‌ماهه فرا گرفته و از کلاس هفتم، بدون سرسوزنی حمایت مالی یا روحی از سوی خانواده، شروع به تحصیل کرده است. در طول سال تحصیلی، در خوابگاه مدرسه سکونت کرده و تابستان‌ها، زمانی که خوابگاه تعطیل بوده و همه دانش‌آموزان نزد خانواده‌هایشان به سر می‌بردند، او در اطراف مساجد و مغازه‌ها خیابان‌خوابی کرده و از راه گدایی و کمک مالی دوستانش، زندگی را گذرانده است. ایتو از آن سال‌ها این‌طور یاد می‌کند: «زندگی‌ام به سه بخش تقسیم می‌شد؛ خواب، خوردن و مطالعه. این، چرخه‌ای بود که هر روز تکرار می‌شد.»

بخت خوش و تلاش بی‌وقفه، بالاخره جواب داد و حوادث به‌گونه‌ای رقم خورد که ایتو در یکی از برنامه‌های حمایتی دولت آمریکا پذیرفته شد و حالا در این کشور به‌عنوان خبرنگار، فعال حقوق زنان و معلولان و یکی از اعضای برنامه توسعه سازمان ملل متحد، در حوزه معلولان فعالیت می‌کند. در نسخه صوتی پیش‌خان، مرارت‌هایی که ایتو کشیده تا به چنین موقعیتی دست پیدا کند، به تفصیل شرح داده‌ایم. شنیدن این قصه را به کسانی که به جزئیات زندگی افراد موفق و الهام‌بخش علاقه دارند، توصیه می‌کنیم.

<sup>۱</sup> Eyes on success

<sup>۲</sup> Itto Outini

## باز توانی؛ راهی دشوار، اما ممکن!

### زهرا همت؛ روان‌شناس و آموزگار کودکان استثنایی شهر تهران

احتمالاً تاکنون در محافل و مباحث گوناگون، اصطلاح توان‌بخشی<sup>۱</sup> یا نوتوانی و باز توانی را بسیار زیاد شنیده‌اید. ممکن است شنیدن این واژه شما را به فکر فرو برده باشد و به مفهوم و کاربرد آن اندیشیده باشید. این اصطلاح در مباحث تخصصی، بیشتر در مورد تعریف خدمات پزشکی و کلینیکی، برای کمک به افراد کم‌بینا، جهت استفاده حداکثری از باقی‌مانده بینایی و ارتقای کارکرد بینایی در موقعیت‌های گوناگون زندگی روزمره، در مسیر بهبود کیفیت زندگی افراد به کار گرفته می‌شود؛ اما در مفهوم عام و کلی‌تر، می‌توان آن را درمورد تمام تکنیک‌ها و ترفندهایی که با استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حواس هر فرد برای انجام امور روزمره زندگی و بهبود کیفیت زندگی افراد نابینا و کم‌بینا به کار گرفته می‌شود، استفاده کرد.

میزان شیوع آسیب بینایی در جامعه بالاست و پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهند که این نرخ شیوع در سال‌های اخیر، افزایش درخور توجهی نیز داشته است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مطالعه و پژوهش در زمینه توان‌بخشی افراد آسیب‌دیده بینایی، ضروری است.

ممکن است نوزادی به دلیل مسائل ژنتیکی یا حوادث پیش‌آمده در دوران جنینی یا زمان تولد، با آسیب بینایی به دنیا بیاید. میزان و نوع آسیب بینایی در هر نوزاد متفاوت است و گستره وسیعی از نابینایی تا آسیب‌های جزئی را در بر می‌گیرد. این آسیب به هر شکل و میزانی که باشد، به همان نسبت، تمامی جنبه‌های زندگی کودک و خانواده‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ابتدا، والدین کودکی که با آسیب بینایی متولد می‌شود، با چالش بزرگی مواجه می‌شوند که پذیرش شرایط نوزاد است. در اینجا وجود یک روان‌شناس برای کمک به خانواده در جهت مواجهه صحیح با این شرایط ضروری است؛ اما متأسفانه معمولاً این اتفاق نمی‌افتد و هیچ‌گونه خدمات تخصصی به خانواده‌ها ارائه نمی‌شود. در بیشتر موارد، افراد اصلاً احساس نیازی برای مراجعه به روان‌شناس نمی‌کنند و تصور می‌کنند که خدمات روان‌شناسی و مشاوره، تنها برای بیماری‌های حاد روانی است و در مواردی مانند تولد فرزندی با آسیب جسمانی، نیازی به روان‌شناس نیست و تنها باید برای درمان آسیب جسمانی، به دنبال خدمات پزشکی بود. در نتیجه، افراد تنها به دنبال درمان‌های پزشکی و حتی گاه، راهکارهای غیرعلمی و حتی خرافاتی برای رفع این آسیب بینایی هستند و نمی‌خواهند فرزندشان را با همان ویژگی‌های جسمانی که دارد، بپذیرند و خود را با شرایط وفق دهند و علاوه بر این، اطلاعات علمی و دقیقی از نحوه کمک و آموزش صحیح به فرزندشان کسب کنند.

<sup>۱</sup> Rehabilitation

در بیشتر کشورها، زمانی که نوزادی با آسیب خاصی متولد می‌شود، خانواده وی، خدمات روان‌شناسی دولتی دریافت می‌کنند؛ اما متأسفانه در کشور ما در بدو تولد، هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی و آموزش صحیحی انجام نمی‌شود و هیچ‌گونه خدمات روان‌شناختی و آموزشی دولتی به خانواده‌ها ارائه نمی‌شود و اولین مواجهه والدین کودکان آسیب‌دیده بینایی با متخصصین این حوزه، به سن پیش‌دبستانی کودک و سنجش آغازین کودک برای ورود به مدرسه موکول می‌شود.



با توجه به مطالعات انجام‌شده و نظریه‌های رشد، آموزش کودکان از لحظه تولد شروع می‌شود و حتی برخی نظریه‌پردازان معتقدند که یادگیری کودک حتی از دوران جنینی آغاز می‌شود. به هر حال، می‌دانیم که خردسالی یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین دوره‌های رشد است و آموزش‌های بسیاری باید در این سنین به کودکان داده شود که اساس و پیش‌نیاز آموزش‌های بعدی است. سنین قبل از مدرسه، بهترین زمان برای رشد حسی و حرکتی است و اگر محیط غنی و آموزش مناسب برای کودک در این زمان فراهم نشود، جبران کاستی‌های ایجادشده بسیار دشوار خواهد بود. کودکان، بسیاری از اطلاعات را به کمک حس بینایی و از طریق مشاهده محیط و رفتار اطرافیان یاد می‌گیرند و در بسیاری از موارد، نیازی به آموزش مستقیم کودک نیست؛ اما کودکان آسیب‌دیده بینایی، این منبع مهم اطلاعات را در اختیار ندارند و والدین باید تمام آموزش‌هایی را که کودکان معمولاً از طریق مشاهده کسب می‌کنند، به‌طور مستقیم برای کودک آسیب‌دیده بینایی فراهم کنند. متأسفانه با توجه به نبود ارتباط با افراد متخصص، در بیشتر موارد، والدین نمی‌دانند که چگونه باید فرزند آسیب‌دیده بینایی خود را آموزش دهند و حتی برخی افراد، تصور می‌کنند که کودک توانایی لازم برای یادگیری را ندارد و تنها باید او را حمایت کنند و حتی ساده‌ترین کارها مثل غذاخوردن را خودشان برای کودک انجام می‌دهند و این بزرگ‌ترین خیانت به کودک است. در اینجا ضرورت مشورت با متخصصین برای کمک به والدین دارای فرزند آسیب‌دیده بینایی به خوبی احساس می‌شود.

اما همیشه آسیب بینایی از لحظه تولد با افراد همراه نیست. آسیب بینایی در هر زمان و هر مکانی و برای هر فردی ممکن است اتفاق بیفتد. تصادف، دیابت و برخی بیماری‌های خاص دیگر، مسمومیت و حوادث بسیار دیگری می‌تواند منجر به آسیب بینایی افراد شود. در اینجا نیز مهم‌ترین چالش، پذیرش و کنارآمدن با شرایط جدید و تلاش برای وفق‌دادن خود با زندگی همراه با آسیب بینایی است؛ اما متأسفانه باز هم خبری از حمایت دولتی و ارائه خدمات روان‌شناختی نیست و بیشتر افراد، خودشان هم احساس نیازی به کمک روان‌شناس و سایر متخصصین حوزه آسیب بینایی نمی‌کنند و تنها به دنبال درمان پزشکی و حتی درمان‌های خرافی و غیرعلمی برای این آسیب هستند؛ البته منظور ما این نیست که نباید به دنبال درمان آسیب بینایی بود؛ بلکه سخن این است که باید شرایط کنونی پذیرفته شود و افرادی که دچار آسیب بینایی شده‌اند، خود را با این شرایط وفق داده و زندگی روزمره خود را ادامه دهند و حالا در این میان، اگر بهبودی از آسیب بینایی هم حاصل شد، بسیار خوب است و چیزی از دست نرفته است.

شرایطی را تصور کنید که فردی در سنین بزرگسالی دچار آسیب بینایی می‌شود. این فرد باید در ابتدا شرایط جدید را بپذیرد و خود را به‌عنوان یک فرد دارای آسیب بینایی قبول کند و با توجه به اینکه کسی جز خودش به داد او نمی‌رسد، باید به کسب اطلاعات صحیح در زمینه آسیب بینایی بپردازد و در مرحله بعدی، به دنبال آموزش‌های خاص و متناسب با شرایط ایجادشده در اثر آسیب بینایی برود. به‌عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین موارد برای یک فرد بزرگسال، استقلال فردی و انجام امور روزمره زندگی، به‌طور مستقل و بدون نیاز و وابستگی به دیگران است. فردی که با استفاده از قدرت بینایی، تمام کارهای روزمره‌اش را انجام می‌داد، اکنون باید ساده‌ترین امور زندگی مانند جهت‌یابی و حرکت، خوردن و نوشیدن، ریختن آب در لیوان و موارد بسیار دیگری را با به‌کارگیری سایر حواس و تقویت مهارت‌ها و استفاده از ابزارهای کمکی و ترفندهای خاص، بیاموزد و اجرا کند. مبرهن است که این فرآیند، بسیار پیچیده و زمان‌بر است و با توجه به آسیب‌های روانی که در اثر آسیب بینایی در فرد ایجاد می‌شود، ضروری است که در ابتدا، خدمات روان‌شناختی به این افراد ارائه شود و آن‌ها در پذیرش و کنارآمدن با شرایط جدید و یافتن آمادگی روانی لازم برای شروع آموزش و ادامه زندگی، با وجود آسیب بینایی، یاری شوند؛ اما در اینجا هیچ یاری جز خودمان نیست و هر فرد، بهترین یاری‌رسان خویش است و افرادی که دچار آسیب بینایی می‌شوند، باید از متخصصین این حوزه برای بازتوانی و سازگاری با نیازهای نوظهور زندگی، راهنمایی و کمک بگیرند.

ما در این سلسله نوشته‌ها، قصد داریم به موضوع آموزش و توان‌بخشی افراد آسیب‌دیده بینایی بپردازیم. هم‌فکری شما برای بهبود سطح کیفی مطالب، برای‌مان بسیار ارزشمند است. لطفاً نظرات و پیشنهادهای خود را از راه‌های ارتباطی «نسل مانا» با ما مطرح کنید.

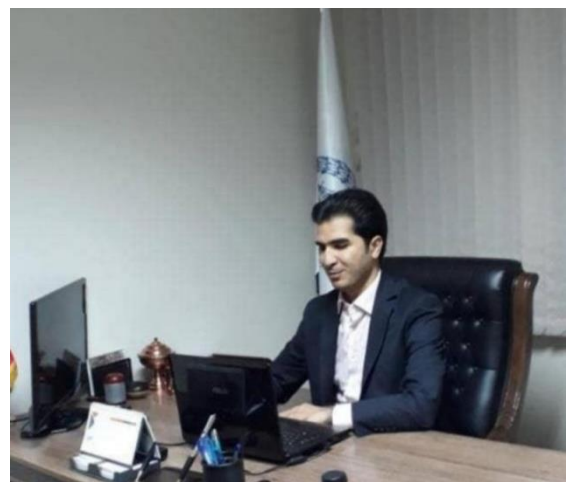
## پای حرف مرد قانون: صاحبه «نسل مانا» با حمید نجاتی، وکیل نابینا:

### میرهادی نایینی: دانشجوی دکتری پژوهش‌های قرآنی

حمید نجاتی، دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی، از سال ۱۳۹۱ در کانون وکلای دادگستری مرکز به وکالت مشغول است.

«برای خوانندگان نسل مانا، از زمانی بگوئید که قصد انتخاب رشته حقوق و تعیین مسیر زندگی شغلی و تحصیلی‌تان را داشتید.»

«من مانند اکثر نابینایان، رشته علوم انسانی را برای دوره دبیرستان انتخاب کردم. از همان ابتدای دوره، میان دو رشته حقوق و روان‌شناسی مردد بودم که سرانجام به‌خاطر علاقه



شخصی و در نظر گرفتن فواید اقتصادی، تصمیم به انتخاب رشته حقوق گرفتم. لیسانس خود را در رشته فقه و مبانی

حقوق اخذ کردم و هم‌زمان موفق به قبولی در دوره کارشناسی ارشد و آزمون کانون وکلا شدم. در طول دوره تحصیل کارشناسی ارشد، کارآموزی وکالت را هم پشت سر گذاشتم.»

«در آزمون‌ها با چه مشکلاتی مواجه می‌شدید؟ آیا هنوز این مشکلات وجود دارند؟»

«شاید بزرگ‌ترین مسئله‌ای که من در آزمون کانون وکلا به آن دچار شدم، برخورد سلیقه‌ای مسئولان بود. من به تشخیص مسئولان حوزه امتحانی، نتوانستم از وقت اضافه‌ای که از نظر قانونی برای نابینایان وجود دارد، استفاده کنم و دقایقی از آزمون را صرف قبولاندن این نکته کردم که باید در جایی جدا از سایر افراد امتحان بدهم. از سایر مشکلات من، ناآشنایی منشی‌ها با درس‌های اختصاصی رشته حقوق بود. به نظر می‌رسد، مشکلات آزمون‌های عمومی برای نابینایان کمتر شده باشد؛ اما در باب آزمون کانون وکلا اطلاع خاصی از وضع کنونی آن ندارم.»

«شما با توجه به وجود این مشکلات در آزمون پذیرفته شدید؛ از راهکارهای خود بگویید.»

«تمرین و قرارگرفتن در شرایط آزمون با افراد غیرمتخصص، راهکار من در مواجهه با منشی‌های آزمون بود.»

«دوره کارآموزی شما چطور گذشت؟»

«یکی از مسائلی که من در دوره کارآموزی داشتم، مقایسه مردم میان من و یکی از وکلای موفق بینا بود. شناسایی خود واقعی من و عدم مقایسه من با سایرین، نقطه منفی این مقایسه بود و اینکه مردم توانایی یک نابینا را می‌پذیرفتند و به او اعتماد داشتند، قسمت خوب آن محسوب می‌شد.»

«چه تفاوت‌هایی میان شیوه انجام کار یک وکیل نابینا و همکاران بینای او وجود دارد؟»

«در پاسخ به این پرسش باید بگویم: مسائلی برای وکلای نابینا پیش می‌آید که ربطی به تخصص و رشته آن‌ها ندارد و به ناآگاهی جامعه نسبت به مقوله نابینایی برمی‌گردد. ما بیش از اینکه با مراجعان خود مشکل داشته باشیم، درگیر فضای کاری خود هستیم. گاه پیش می‌آید وقت و انرژی وکیل نابینا که باید صرف دفاع از موکل خود شود، معطوف به پاسخ‌گویی درباره کیفیت درس خواندن و تنظیم لویح او می‌گردد. از طرفی، برای برخی از همکاران من اتفاق افتاده است که به جای مخاطب قراردادن آن‌ها، کسی مورد خطاب قرار می‌گیرد که صرفاً او را همراهی می‌کند و به احتمال زیاد، هیچ آشنایی با رشته حقوق هم ندارد.»

در وکالت، زمان نقش بسیار پررنگی دارد و مشکل تردد و چیزهایی از این دست، نمی‌تواند بهانه خوبی برای عدم پایبندی یک وکیل نابینا به نظم در مراجع قضایی باشد. از نظر من، این موضوع، حضور یک همراه را برای تسهیل در تردد افراد نابینا الزامی می‌کند. حضور این همراه، فواید دیگری هم دارد که از جمله آن‌ها، می‌توان به مطالعه صورت جلسه در دادگاه و بررسی منابع کاغذی مندرج در پرونده‌ها اشاره کرد.»

«چه مشکلاتی بر سر راه یک وکیل نابینا وجود دارد؟»

از مشکلات عمومی که بر سر راه تمامی نابینایان وجود دارد و وکلا هم از آن مستثنا نیستند، بگذریم؛ یک وکیل باید بتواند تا حد امکان، محیط کار خود را مناسب‌سازی کند. از مشکلاتی که باید به آن اشاره کنم، مطالعه منابع کاغذی، به‌ویژه بیرون از محل دفتر کار است. از دیگر مشکلاتی که برای برخی از همکاران نابینای من پیش آمده است، عدم اعتماد مراجعین به دلیل نابینایی وکیل است؛ اما به نظر من، کار خوب وکیل می‌تواند باعث تفوق وی بر تمامی این مشکلات

شود. باید دانست که اعتبار یک وکیل، مهم‌ترین دارایی اوست و این اعتبار به‌مرور زمان و با معرفی درستی که از جانب موکلین او انجام می‌شود، به‌دست می‌آید.»

«از نظر شما یک وکیل تازه‌کار که هنوز نتوانسته برای خود دفتری تدارک ببیند، چگونه می‌تواند وارد فرایند کسب اعتبار شود؟»

«افرادی که دوره کارآموزی را پشت‌سر می‌گذارند، امکان داشتن دفتر را ندارند و این حق، زمانی به آن‌ها داده می‌شود که موفق به اخذ پروانه وکالت خود شوند.

من در دوره کارآموزی، وکیل سرپرستی داشتم که با من همکاری کاملی داشت و این امکان برایم مهیا شد تا بتوانم به پرونده‌هایی ورود کنم و از همین نقطه وارد فرایند کسب اعتبار شدم.

وکالت مانند هر شغل آزاد دیگری، می‌تواند مبتنی بر اعتماد رشد کند. من به‌عنوان یک وکیل باید بتوانم این حس را در مراجعینم ایجاد کنم که توانایی رفع مشکلشان را در موردی که به من مراجعه می‌کنند، دارم و به‌اصطلاح عرفی، می‌توانم اعتمادشان را جلب کنم. اعتمادی که میان شما و مراجعانتان به‌وجود آمده و ارتباطات شبکه‌ای میان مراجعانتان با سایرین، به شما این فرصت را خواهد داد که منتظر مراجعان جدید باشید.

به‌نظر می‌رسد آنچه در باب اعتماد به یک وکیل اهمیت دارد، دانش و توانایی او در حل مسئله موکل و هزینه‌ای است که موکل باید برای بهره‌گیری از این دو به وکیل بپردازد. واضح است که میزان سنوات کاری و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز در چگونگی بهره‌گیری از وکیل تأثیر بسزایی دارد؛ از آنجا که وکلا مانند سایر مشاغل آزاد، حق تبلیغ کار خود را ندارند، اعتبارسازی می‌تواند از طریق نزدیکان و آشنایانی که هر وکیل دارد، آغاز شود. برخی از وکلا، ابتدا سعی در قبول پرونده نزدیکان خود می‌کنند تا زنجیره اعتبارسازی برایشان شکل بگیرد.»

«از آنجا که شکست در هر کاری اتفاق می‌افتد، چه عواملی می‌تواند باعث شود که شکست در پرونده، از اعتبار یک وکیل نکاهد؟»

«از عوامل اصلی شکست در پرونده‌های قضایی، می‌توان به خطای ناشی از تصور و تفسیر حکم از سوی قضات، وجود نقص در پرونده و کافی نبودن ادله برای اثبات مدعا اشاره کرد. به‌نظر من، وجود این شکست‌ها اعتبار وکیل را خدشه‌دار نمی‌کند؛ آنچه صدمه زیادی به اعتبار یک وکیل می‌زند، قول پیروزی در پرونده و امیدوارکردن ناموجه موکل است. یک وکیل می‌تواند به کار وکالت خود مطمئن باشد؛ اما در روند یک پرونده، همه‌چیز در اختیار او نیست.»

«برای وکلای تازه‌کار، از موانعی بگویید که باید در شروع کار مدنظر قرار دهند.»

«باید دانست، برخلاف تصور عمومی، وکلایی که درآمد بالایی از این راه کسب می‌کنند، در اقلیت هستند و نباید گمان کرد می‌شود از این راه در زمان کوتاهی به درآمد بالایی رسید. از طرف دیگر، یک وکیل خیلی بیشتر از سایر مشاغل باید وقت و انرژی خود را صرف کار خود کند. یک وکیل، کارفرمای خود است و باید متقبل هزینه‌هایی شود که با درآمد او - حداقل در سال‌های اولیه کار - سازگار نیست. پیش‌بینی‌ناپذیری میزان پرونده‌ها، همواره در دسترس بودن برای حفظ اعتبار و توانایی مدیریت احساسات موکلین، از مسائل مهمی است که باید مدنظر یک وکیل در ابتدای کار باشد.»



آنچه خواندید، خلاصه‌ای از گفت‌وگوی «نسل‌مانا» با این وکیل نابینا بود. در صورت تمایل می‌توانید مشروح این گفت‌وگو را به شکل صوتی، ذیل همین نوشته بشنوید.

## لاتک چیست و چرا به آن نیاز داریم؟

### میثم امینی: مترجم انگلیسی

دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا و کم‌بینا در رشته‌های ریاضی، علوم فیزیکی و مهندسی، معمولاً زمانی که نیاز به ارائه مطالب ریاضی به مدرسین و هم‌کلاسی‌های بینایشان دارند، با مشکلاتی مواجه می‌شوند. خوشبختانه، پیشرفت در فناوری دیجیتال، امکانات جالبی را در این زمینه به ما ارائه داده است.

در اکثر کلاس‌های درس، تدریس ریاضیات، علوم فیزیکی و مهندسی، به‌شدت بر عناصر دیداری متکی است. با این حال، درک موضوع و افزایش دانش در این زمینه‌ها منحصر به افراد بینا نیست. در این مقاله، به بررسی فناوری امیدوارکننده‌ای می‌پردازیم که می‌تواند به افراد نابینا در تهیه اسناد فنی کمک کند.

لاتک یا لیتک<sup>۱</sup> در ابتدا به‌عنوان یک زبان حروف‌چینی برای نمادهای ریاضی اختراع شد. لاتک ماهیتی مبتنی بر متن و غیرگرافیکی دارد. با تایپ متن استاندارد روی صفحه‌کلید، می‌توان تمام نمادهای ریاضی را از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین آن‌ها، مواردی مثل کسر، زیرنویس، بالانویس، ماتریس، مشتقات جزئی و انتگرال نشان داد؛ حتی می‌توان از لاتک برای رسم نمودار نیز استفاده کرد.

لاتک به کاربر، کنترل بسیار خوبی روی قالب‌بندی اسناد می‌دهد. پس از تسلط بر لاتک، کار با آن می‌تواند بسیار آسان‌تر از یک واژه‌پرداز معمولی باشد. زمانی که قالب‌بندی پیچیده لازم است، کد لاتک در یک پرونده متنی تایپ می‌شود. نرم‌افزار لاتک، رایانه و چاپگر، همه کارها را برای تولید یک سند بی‌عیب‌ونقص حاوی نمادهای ریاضی قابل‌خواندن انجام می‌دهند.

لاتک زبانی است که هر فردی، چه نابینا و چه بینا می‌تواند آن را یاد بگیرد. برای ارسال تکلیف ریاضی به‌صورت بینایی، دانش‌آموز یا دانشجوی نابینا می‌تواند کد لاتک را در یک پرونده تایپ کند و از نرم‌افزار لاتک برای ترجمه آن پرونده به یک سند دیداری جذاب، با نمادهای ریاضی استاندارد استفاده نماید. لاتک می‌تواند کدهای متنی را به پرونده پی‌دی‌اف تبدیل کند تا دانش‌آموز یا دانشجو بتواند آن را چاپ کند، یا برای معلم یا استاد خود ایمیل نماید.

تحولات اخیر، لاتک را به‌ویژه برای افراد نابینا، کاربرپسند کرده است. نرم‌افزارهای مت‌تایپ<sup>۲</sup>، دی‌بی‌تی<sup>۳</sup>، تایگر سافت‌ور سوئیت<sup>۴</sup> و صفحه‌خوان‌های مختلف، به‌طوری طراحی شده‌اند تا با هم کار کنند تا کاربران نابینا بتوانند از یک پرونده مایکروسافت‌ورد، نسخه چاپی یا بریل دریافت کنند. وقتی مت‌تایپ نصب می‌شود، می‌تواند با مایکروسافت‌ورد و با

<sup>۱</sup> LaTeX

<sup>۲</sup> MathType

<sup>۳</sup> DBT

<sup>۴</sup> Tiger Software Suite

دی‌بی‌تی یا تایگر سافتور سوئیت ارتباط برقرار کند. کاربر نابینا کد لاتک را در یک سند ورد تایپ می‌کند. وقتی سند تکمیل شد، کاربر به‌سادگی همه متن را انتخاب می‌کند و آلت به‌اضافهٔ بکسلس را فشار می‌دهد. کد لاتک سپس به‌طور خودکار به نمادهای ریاضی تبدیل می‌شود؛ درست همان‌طور که یک فرد بینا آن‌ها را می‌نویسد. در این مرحله، یک کاربر نابینا می‌تواند سند ریاضی را به بینایی یا بریل چاپ کند یا آن را از طریق ایمیل ارسال نماید. صفحه‌خوان‌ها معادلات سند ریاضی را به‌درستی نمی‌خوانند؛ اما قطعاً کد لاتک را خواهند خواند. کاربر می‌تواند همهٔ متن را انتخاب کند و دوباره آلت به‌علاوهٔ بکسلس را بزند تا معادلات را به لاتک برگرداند. اگر پروندهٔ لاتک به‌درستی نوشته شده باشد، کاربر نابینا می‌تواند با خیال راحت فرض کند که پروندهٔ ریاضی تبدیل‌شده نیز صحیح است.

یکی از مشکلات استفاده از لاتک و مت‌تایپ در این روش، این است که در حال حاضر هیچ راهی برای اشکال‌زدایی کد لاتک در مایکروسافت‌ورد وجود ندارد. نوشتن در لاتک شبیه برنامه‌نویسی رایانه‌ای است. قوانین سخت‌گیرانه‌ای در مورد نحوهٔ نمایش معادلات باید رعایت شود. اگر کاربر هنگام تایپ معادلهٔ لاتک، یکی از این قوانین را زیر پا بگذارد، فرایند تبدیل کد به معادلات خوانا کار نخواهد کرد. اگر شانس بیاوریم، فقط معادلهٔ اشتباه نوشته‌شده تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. با این حال، یک خطا ممکن است به تبدیل کل سند تأثیر بگذارد. مت‌تایپ هیچ نشانی از محل یا چستی خطا نمی‌دهد. کاربر می‌تواند با ایجاد کل سند در یک ویرایشگر لاتک، مثل ویرایشگر رایگان و منبع‌باز تِکس‌نیک سنتر<sup>۱</sup> و استفاده از آن برای ترجمهٔ سند به یک پروندهٔ پی‌دی‌اف، از چنین مشکلاتی جلوگیری کند. ویرایشگر لاتک، به مکان خطاها اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که خطاها چیستند. این به کاربر اجازه می‌دهد تا سند لاتک را اشکال‌زدایی کند. استفاده از مت‌تایپ و ورد این مزیت را دارد که در ابتدا راحت‌تر قابل‌استفاده است؛ زیرا به دانش کمتری از لاتک عمومی نیاز دارد. با این حال، برخورد با خطاها در کد لاتک یک اشکال جدی است.

لاتک می‌تواند به کاربر نابینا اجازه دهد تا به برخی منابع عمومی ریاضی در سطح وب دسترسی پیدا کند. برخی از وب‌سایت‌ها مثل ویکی‌پدیا دارای برچسب لاتک برای معادلات خود هستند. گاهی اوقات خواندن لاتک ممکن است کمی خسته‌کننده باشد؛ زیرا واقعاً برای این منظور طراحی نشده است. لاتک جایگزین خط بریل نیست؛ اما دانستن آن برای یک فرد نابینا مفید است؛ زیرا امکان دسترسی به اسناد ریاضی را به او می‌دهد.

دقت کنید که ترجمهٔ یک سند لاتک یا تبدیل آن به مایکروسافت‌ورد با مت‌تایپ، ممکن است در صورتی که خوانندهٔ موردنظر سند با لاتک آشنا باشد، ضروری نباشد؛ مثلاً اگر معلم جبر دانش‌آموز نابینا لاتک بداند، ممکن است مایل به خواندن یک تکلیف یا آزمون در کد لاتک باشد.

طبق تجربهٔ خود دریافته‌ایم که بسیاری از مدرسان، دانشجویان و محققان دانشگاهی با لاتک آشنا هستند؛ بنابراین، آموزش لاتک به دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا، برای آماده‌سازی آن‌ها برای ورود به محیط علمی بسیار سودمند است. آن‌ها تکه‌هایی از لاتک را هر وقت نیاز دارند، یاد می‌گیرند؛ به‌عنوان مثال، در طول دوره‌های جبر، آن‌ها فقط لاتک را

برای مفاهیمی مانند توان و ریشه می‌آموزند و در حساب دیفرانسیل و انتگرال، آن‌ها کدهای لاتک برای انتگرال و مشتقات را یاد خواهند گرفت. به این ترتیب، با پیشرفت آن‌ها در آموزش ریاضی و سایر آموزش‌های علمی، تسلط بر لاتک حاصل می‌شود.

## تصمیم‌گیری درباره زندگی فرد نابینا در مدرسه شبانه‌روزی غیر خاص

### فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان

شماره می‌گیرم. به جای بوق انتظار، آهنگ ملایمی پخش می‌شود. گاهی وقت‌ها نوع آهنگ انتظار، حال و هوای شخص مخاطب را نشان می‌دهد. تماس برقرار می‌شود. در پس صدای مرد جوان، صدای زنگوله گوسفندان از میان کوهستان به گوش می‌رسد. خودم را معرفی می‌کنم و از او می‌خواهم برایم بگوید که به حرف‌هایی که نوبت گذشته با او زده‌ام، فکر کرده است یا نه. پاسخش همان پاسخ قبلی است. بهزیستی باید ماشین بگذارد تا من دخترم را به مدرسه بفرستم. می‌گویم: «ماشین فقط تا پایین کوه می‌آید. آن وقت‌ها که ماشین می‌فرستادیم، باران که می‌آمد، بچه را به پایین کوه نمی‌آوردید.» می‌گوید: «حرف شما چیست؟ اینکه بچه را به مدرسه شبانه‌روزی بفرستم؟ میان آن همه دختر بینا؟ من هرگز این کار را نمی‌کنم. بچه‌ها از راه‌های دور و نزدیک می‌آیند. تا حالا فرد نابینا ندیده‌اند. دختر مرا مسخره می‌کنند. من که دخترم را ندزیده‌ام. چطور می‌توانم او را به مدرسه شبانه‌روزی بفرستم؟ من او را برای معالجه به مشهد، تهران و شیراز برده‌ام. کاری از دستم بر نیامد. نمی‌خواهم کاری کنم که او از من برنجد.»

می‌گویم: «هر کاری توانسته‌ای برایش انجام داده‌ای. حالا برای باسواد کردنش تلاش کن. ممکن است بعضی‌ها مسخره‌اش کنند؛ اما کم‌کم زیر نظر سرپرستان مدرسه از گروه هم‌سالانش مهارت‌های زیادی را یاد می‌گیرد.»

از او می‌خواهم به روزی فکر کند که خود و همسرش دیگر قادر به حمایت از دخترشان نباشند. می‌گویم: «در همین نزدیکی دختری را می‌شناسم که پدر و مادرش در هفت‌سالگی او را به مدرسه شبانه‌روزی سپردند. او بعد از رفتن به دانشگاه شاغل شده است. حالا پدر و مادرش را از دست داده و به‌تنهایی در میان آدم‌های بینا کار و زندگی می‌کند. شاید روزهای اول از پدر و مادرش رنجیده باشد؛ اما بعدها، بارها به‌خاطر تصمیم‌شان از آن‌ها سپاسگزاری کرده است.»

پدر جوان به فکر فرو می‌رود. تلفن دیگری زنگ می‌خورد. نام مخاطب را می‌خوانم. باید همین حالا به او پاسخ دهم. از پدر جوان می‌خواهم نتیجه فکر کردنش را بعداً به من اطلاع دهد. دکمه برقراری تماس را می‌زنم و گوشی تلفن ثابت را سر جایش می‌گذارم.



در سال‌های اخیر، دانش‌آموزان نابینا در بیشتر استان‌ها پس از گذراندن پایه ششم، وارد مدرسه‌های عادی می‌شوند و به صورت تلفیقی در کنار سایر دانش‌آموزان درس می‌خوانند.

ایسنا درباره مدارس شبانه‌روزی می‌نویسد: «مطابق ماده ۲۰ اساس‌نامه مدارسهای شبانه‌روزی، دستورالعمل اجرایی این مدرسه‌ها با امضای وزیر وقت آموزش و پرورش، در ۱۷ بهمن ۱۳۸۵ برای اجرا به اداره‌های کل آموزش و پرورش ابلاغ شد.

هدف از این ابلاغیه، افزایش درصد پوشش تحصیلی دانش‌آموزان روستایی، عشایری و مناطق محروم و جلوگیری از هدر رفت استعدادها و توانایی‌های نوجوانان مناطق مذکور؛ ارتقای سطح کیفی آموزش و کاهش افت تحصیلی، فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب برای تربیت دانش‌آموزان، با بهره‌گیری از اوقات فراغت آن‌ها، پیشگیری از تبعات اخلاقی و اجتماعی ناشی از مهاجرت دانش‌آموزان روستایی به مراکز شهری؛ استفاده بهینه از نیروی انسانی و امکانات و اعتبارات آموزش و پرورش در مناطق کم‌جمعیت و در نهایت، فراهم‌سازی زمینه تربیت نیروی انسانی موردنیاز مناطق محروم و عشایری از بین دانش‌آموزان بومی است.» پدران زیادی را می‌شناسم که مانند این پدر جوان، نگران حضور فرزندشان در میان سایر افراد بینا هستند؛ البته مورد این پدر، بسیار به ندرت پیش می‌آید.

در همین راستا، نظر دکتر اشرف کریمی، استاد دانشگاه در حوزه آسیب‌بینایی را در خصوص فرستادن دانش‌آموز دارای آسیب‌بینایی به آموزشگاه شبانه‌روزی غیرخاص جویا شدیم.

«در وهله اول می‌بایست دانش‌آموز و خانواده‌اش در این مسیر مشارکت داشته باشند. یک دانش‌آموز دبیرستانی به لحاظ رشد شناختی می‌بایست در این تصمیم‌گیری مشارکت داده شود؛ حتی اگر از نظر شناختی هم دچار اشکال باشد، این بسیار مهم است که خود دانش‌آموز و خانواده‌اش، با شناخت کامل از موقعیت موجود تصمیم بگیرند.»

«اینکه به گفت‌وگو با دانش‌آموز تأکید می‌کنم، علت دارد. وقتی با دانش‌آموز گفت‌وگو کنیم، مسائل زیادی روشن می‌شود؛ هم برای ما به‌عنوان کارشناس یا مدیر مجموعه و هم برای خود دانش‌آموز. بخش زیادی از سنجش دانش‌آموز در همین مرحله صورت می‌گیرد و هر دو طرف به دیدگاه تازه‌ای می‌رسیم. نیازهای او برای ما روشن می‌شود که سبب می‌شود اقدام‌های مناسبی انجام دهیم.»

ایشان در ادامه، توجه و ملاحظه نکات زیر را ضروری دانستند:

۱. در چنین مواردی بهتر است میزان آسیب‌بینایی دانش‌آموز در نظر گرفته شود؛ چراکه در نوع تصمیم‌گیری مؤثر خواهد بود.

۲. میزان توانایی دانش‌آموز در انجام مهارت‌های خودیاری باید بررسی شود.

۳. یک جلسه توجیهی با اولیای مدرسه در خصوص برخورد با فرد آسیب‌دیده بینایی در مدرسه و خوابگاه می‌بایست برگزار شود.

۴- در سلسله نشست‌هایی، همکاران آموزشی و سایر دانش‌آموزان با میزان توانایی‌ها و محدودیت‌های دانش‌آموز با آسیب بینایی آشنا شوند.

۵. منابع بریل و گویا، به‌موقع به‌دست دانش‌آموز برسد و دبیر رابط نیز به‌موقع در مدرسه حاضر شود.

۶. یک نسخه از شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی جهت آشنایی بیشتر، در اختیار مدرسه قرار گیرد.

چندی پیش، با مدیر مدرسه شبانه‌روزی مفصل وارد گفت‌وگو شدم و حضور دانش‌آموز نابینا را در آن مدرسه از زوایای مختلف با هم بررسی کردیم.

با توجه به شیوع انواع بیماری، مدرسه به‌صورت شیفتی به دانش‌آموزان خدمات ارائه می‌کند. به این صورت که هر گروه از آن‌ها به‌صورت یک هفته در میان در خوابگاه و مدرسه حضور خواهند داشت. ناگفته نماند که تلاش‌های مدیر مدرسه پشتیبان و معلم رابط، ما را به این نقطه عطف رسانده است.

حالا باید منتظر بمانیم تا ببینیم تصمیم نهایی پدر دانش‌آموز چه خواهد بود. به‌راستی چرا دغدغه‌های پدران نسبت به فرزند دارای نیاز ویژه، تا این حد بی‌پایان است؟ آیا آن‌ها خود را در به وجود آمدن این شرایط مقصر می‌دانند؟ آیا در برابر عظمت مسئله موجود احساس ناتوانی می‌کنند؟

همراهان عزیز! پدران، به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان نهایی خانواده، موضوع چند شماره از ستون زندگی خواهند بود. پدرازی که فرزند نابینا دارند یا پدرازی که خود، نابینا هستند. می‌خواهیم از آن‌ها بیشتر بدانیم. از آنچه در درون‌شان می‌گذرد؛ از ناگفته‌های‌شان و هرآنچه کمک می‌کند تا آن‌ها در زندگی تصمیم‌های مهم بگیرند.

با امید به اینکه اشتراک تجربه‌ها و دیدگاه‌های مختلف، سبب بهبود کیفیت زندگی همه ما باشد.

## نقش برساخت اجتماعی معلولیت در سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان در ایران: گزارشی از یک

### پژوهش در حوزه معلولیت

#### ایوذر سمیعی: دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی

در [شماره پیشین](#) گفتیم که برای دریافت نقش برساخت اجتماعی معلولیت در سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان، با سه گروه از افراد مصاحبه شد: افراد دارای معلولیت، عموم مردم و مشاوران مدیران. پیشنهاد می‌شود چنانچه شماره پیشین این گزارش را مطالعه نکرده‌اید، ابتدا آن را از نظر بگذرانید. در ادامه این گزارش، دو بخش پایانی مصاحبه‌ها و تحلیل آن ارائه خواهد شد.

## فهم عامه مردم از مقوله معلولیت

جهت کشف فهم دیدگاه عموم مردم از معلولان و مقوله معلولیت، با ۱۰ نفر از افراد غیرمعلول مصاحبه شد و شش مقوله استخراج گردید:

### نقصان جسمی

تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با افراد غیرمعلول، نشان‌دهنده نگاه فردگرایانه و زیستی آن‌ها به مقوله معلولیت است. این نگرش به معلولیت، مطابق با پارادایم پزشکی معلولیت است. طرفداران مدل پزشکی معلولیت، آسیب‌دیدگی‌های فردی را علت اصلی مسائلی می‌دانند که افراد معلول با آن مواجه می‌شوند. در این نگاه، مسئله اصلی، نقصان و ناتوانی جسمی است و سایر مسائل، برگرفته از آن به حساب می‌آیند.

### ناشناختگی

یافته‌های پژوهش پیش رو نشان می‌دهد، بیشتر مصاحبه‌شوندگان با مقوله معلولیت و موضوعات مربوط به این حوزه آشنا نیستند و بیشتر آنان در دوران مدرسه و دانشگاه یا در محل کارشان، با افراد معلول مواجه نشده‌اند. اندک افرادی نیز که آشنایی مختصری با آنان داشته‌اند، این آگاهی را به‌واسطه فعالیت مستقیم در حوزه شغلی به دست آورده‌اند.

### هویت متفاوت

بیشتر افراد مصاحبه‌شونده، معلولان را متفاوت از عموم جامعه پنداشته‌اند و به‌صورتی خاص و ویژه با آنان برخورد می‌کنند. این افراد به‌واسطه تعامل اندکی که با معلولان داشته‌اند و نیز به دلیل آگاهی ابتدایی که در خصوص آنان دارند، آن‌ها را رنجور، حساس و گاهی ناتوان می‌یابند. چنین تصویری موجب می‌شود به‌هنگام مواجهه با آنان، دقیقاً ندانند چه واکنشی باید بروز دهند و دچار نوعی سردرگمی می‌شوند.

### نابرابری

بیشتر مصاحبه‌شوندگان غیرمعلول، میان خود و افراد دارای معلولیت تفاوتی نمی‌بینند و معتقدند آن‌ها نیز به اندازه سایرین باید از حقوق فردی و اجتماعی برخوردار باشند؛ اما رمزگشایی صحبت‌هایشان، با آنچه به زبان می‌آورند، تفاوت دارد. بخشی از این موضوع تا اندازه‌ای ساختارمند و پنهان اتفاق می‌افتد که خود این افراد نیز بر آن واقف نیستند. مصاحبه‌شوندگان در موارد متعددی، حقوق افراد دارای معلولیت را با نگاهی درجه‌دوم تفسیر می‌کنند و در ادبیات و کلام، افراد غیرمعلول را اصل پنداشته و معلولان را درجه‌دو به حساب می‌آورند. آن‌ها انتظار دارند افراد دارای معلولیت، نقصان خویش را به‌نحوی جبران کنند تا برابر با سایرین شمرده شوند.

### نگاه‌های کلیشه‌ای

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، نگرش‌های قالبی در خصوص افراد دارای معلولیت دارند؛ اگرچه نگرش‌های آن‌ها نسبت به آنچه در تحقیقات پیش آمده، تعدیل شده است؛ اما کماکان بخش مهمی از همان کلیشه‌ها وجود دارد. افراد معلول را ناتوان به‌شمار آوردن یا اغراق در توانمندی‌های آنان، معصوم پنداشتن، خلاق و باهوش دانستن آن‌ها و... کلیشه‌هایی هستند که در میان مصاحبه‌شوندگان مشاهده شده است.

افراد دارای معلولیت همان گونه که در عرصه‌های اجتماعی حاضر نیستند یا اجازه حضور ندارند، در محتوای آموزشی نیز جایگاهی ندارند و به آنان پرداخته نشده است. این اتفاق هم در آموزش‌های رسمی (مدرسه و دانشگاه) و هم آموزش‌های غیررسمی (رسانه‌ها و سایر نهادهای فرهنگی) رخ داده است. صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان مبنی بر عدم دریافت آموزش و سایر انواع آگاهی‌ها در مدرسه، دانشگاه، رسانه‌ها و سایر مراجع مشابه، حاکی از بی‌اهمیت‌بودن موضوع آموزش در خصوص افراد دارای معلولیت است.

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص نگرش افراد غیرمعلول به مقوله معلولیت، نشان می‌دهد عموم مصاحبه‌شوندگان هویت افراد دارای معلولیت را متفاوت از عموم جامعه می‌پندارند و در مواردی آن‌ها را نابرابر با سایر اعضای جامعه می‌دانند. این افراد بیشتر با نگاهی اخلاقی-دینی یا زیستی-پزشکی مسئله معلولیت را تحلیل می‌کنند و در بسیاری موارد، به دلیل فردی پنداشتن پدیده معلولیت، فشارهای ساختاری و برساخت اجتماعی شکل‌دهنده معلولیت را که خود آنان نیز بخشی از آن هستند، نادیده می‌گیرند.

## ادراک مدیران از مقوله معلولیت

در بخش پایانی این پژوهش، در یک جمع‌بندی کلی، به محور اصلی پژوهش، یعنی «نقش برساخت اجتماعی معلولیت در فرایند سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان در ایران» پرداخته شده است. به‌منظور کشف این مسئله، علاوه بر مصاحبه‌های صورت‌گرفته، با ۱۲ نفر از مشاوران مدیران مصاحبه صورت گرفت.

بر پایه نتایج این تحقیق، مجموعه‌ای از عوامل در فرایند سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم داشته‌اند. بر این اساس، نگاه و دیدگاه مدیران در خصوص افراد دارای معلولیت، یکی از عوامل مهم و پایه‌ای در این مقوله به‌شمار می‌آید. یافته‌ها نشان می‌دهد، تصور مدیران و مسئولان از مقوله معلولیت، به‌طور کلی تفاوت قابل‌توجهی با نگاه عموم مردم ندارد. معلولان، برای این افراد نیز ناشناخته هستند و توانمندی‌های آنان در مواقع بسیار زیادی جدی گرفته نمی‌شود؛ اغلب مدیران نگرش‌های قالبی و کلیشه‌ای نسبت به معلولان دارند و به‌طور کلی، نگاه رایج در میان مدیران و مسئولان به عموم معلولان، نگاه‌های برخاسته از مدل‌های اخلاقی-دینی و زیستی-پزشکی به مقوله معلولیت است.

علاوه بر این، محرومیت معلولان از حضور در اجتماع و غیبت آنان در آموزش‌های رسمی به ناشناختگی آنان دامن زده و نبود آموزش‌های حرفه‌ای برای مدیران پیرامون افراد معلول، موجب شده آنان نتوانند در تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها، آن‌گونه که برآورنده نیاز افراد دارای معلولیت بوده، عمل کنند. اگرچه مصاحبه‌ها، مواردی استثنا در این مورد را نیز نشان می‌دهند و نمی‌توان حکمی واحد و مطلق برای همه مدیران صادر نمود.

در کنار عوامل پیش‌گفته، دست‌کم دو موضوع دیگر را نیز باید اضافه نمود: «مسائل بوروکراتیک» و «موضوعات داخلی حوزه معلولان».

عوامل مرتبط با بروکراسی اداری و فرهنگ سازمانی از قبیل شیوه‌های مدیریت، محدودیت منابع مالی، تورم در قوانین، ضعف در نظارت و ارزیابی و عواملی از این قسم که می‌تواند مختل‌کننده فرایند سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای باشد، حوزه معلولیت را نیز در بر گرفته و متأثر ساخته است.

موضوع توان افراد دارای معلولیت و سازمان‌های مردم‌نهاد این حوزه در مطالبه‌گری صحیح، فشار و چانه‌زنی، دیگر مسئله قابل توجهی است که نحوه اجرای سیاست‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است.

موضوعات مطروحه، موجب شکل‌گیری پدیده «هویت ناقص» در خصوص افراد دارای معلولیت شده است. این پدیده، دلالت بر تعمیم نقصان فیزیکی به هویت افراد دارای معلولیت دارد. انگاره «هویت ناقص» شکل‌دهنده بسیاری از موضوعات و مقولاتی است که به آن پرداخته شده است. جوامع به‌گونه‌ای تاریخی نقصان جسمی را برابر با ناکارآمدی دانسته و به تدریج این موضوع بر هویت افراد دارای معلولیت تحمیل شده است. اکنون که در عصر ارتباطات و جهان پسامدرن که توسعه فناوری، بخش اعظمی از ناکارآمدی مذکور را مرتفع نموده، تغییری در نگرش نسبت به هویت ناقص افراد دارای معلولیت اتفاق نیفتاده و از همین رو، آنان افرادی با اولویت ثانوی به حساب می‌آیند.

در چنین بستری و با شکل‌گیری این نگاه نسبت به افراد دارای معلولیت و سیاست‌گذاری‌های این حوزه، مدیران به‌منظور اجرای سیاست‌ها، استراتژی‌های خاصی را به کار می‌گیرند. آن‌ها تلاش می‌کنند قانون را به‌صورتی گزینشی اجرا کنند و تفسیری از آن ارائه کنند که بتوانند منابع خود را مدیریت کنند؛ به‌نحوی که با کمترین هزینه، بیشترین بهره را به‌دست آورند.

از دیگر استراتژی‌های مدیران، برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و سیاست‌گذاری بر اساس آمار و ارقام و تعداد عددی افراد جویای خدمات است. در این وضعیت که مبتنی بر دیدگاه آماری است، به‌طور طبیعی افراد دارای معلولیت به‌دلیل قرارگرفتن در اقلیت اجتماعی، به‌شدت موردتبعیض قرار می‌گیرند. در نهایت، مدیران برای رهایی از فشارهای اجتماعی و به اتمام رساندن مأموریت خود به هر قیمت ممکن، از بار مسئولیت شانه خالی کرده و افراد معلول را به سازمان‌های متولی ارجاع می‌دهند.

پیامد چنین فرایندی، ناباوری به معلولان و در نهایت، نگاه درجه‌دومی به حقوق این افراد است. در نتیجه همین فرایند است که افراد دارای معلولیت در بسیاری از

تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته می‌شوند یا به‌نحوی برنامه‌ریزی می‌شود که عملاً نتیجه اجرای آن سیاست‌ها، نقشی در تغییر زندگی افراد دارای معلولیت ندارد.

## سیاست‌گذاری‌های پیشنهادی

یافته‌های پژوهش حاضر، مؤید نقش برساخت اجتماعی معلولیت و نگرش‌ها و کلیشه‌های بین‌الذهانی در سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان بود. اگرچه علاوه بر این، عوامل دیگری نیز در این فرایند نقش اثرگذاری داشتند؛ از این‌رو، پیشنهادهای ذیل به‌منظور ایجاد تغییر در وضعیت فعلی سیاست‌گذاری‌های حوزه معلولان ارائه شد:



- ✓ ارائه محتوای آموزشی حوزه معلولان در آموزش همگانی
- ✓ ارائه واحدهای آموزشی مربوط به مسائل معلولیت به دانشجویان رشته‌های مرتبط
- ✓ برگزاری دوره‌های تخصصی حرفه‌ای برای برخی مشاغل
- ✓ بازنگری در سیاست‌های حوزه رسانه
- ✓ بازنمایی معلولیت به عنوان یک تنوع

## مهمانی و میزبان نابینا یا کم‌بینا

مسعود طاهریان: کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی

### مقدمه

تا حالا فکر کرده‌اید با وجود آسیب بینایی، چطور می‌توانید از پس یک مهمانی برآیید؟ آیا شده است که وقتی دورتادورتان را مهمان گرفته، از خودتان بپرسید شما که نابینا یا کم‌بینا هستید، باید در این شلوغی چه کنید؟ پیش آمده به خاطر آسیب بینایی، نخواهید به مهمانی بروید یا مهمانی بگیرید؟ اگر حتی یکی از مسائل بالا دغدغه شما باشد، خوب است تا آخر این مطلب، همراه من، مسعود طاهریان باشید؛ چون سعی کردم در اولین قسمت از سری یادداشت‌های محک تجربه، جواب‌هایی برای این سؤال‌ها پیدا کنم.

### فراهم کردن مقدمات

اولین قدم برای داشتن یک مهمانی درخور، در نظر گرفتن تعداد و شرایط مهمان‌ها است. باید بدانیم چند مهمان داریم؛ وضعیت بینایی آن‌ها چطور است و چه سن‌وسالی دارند، تا بتوانیم فضای مهمانی را متناسب آن‌ها کنیم. اگر بیش از ظرفیت خانه خودمان مهمان دعوت کنیم، فضای کافی برای نشستن و رفت‌وآمد وجود نخواهد داشت و سروصدای زیادی در خانه ایجاد می‌شود که این موارد، اشتباهات و آسیب‌های ناشی از محدودیت‌های



بینایی ما را (مانند تنه‌زدن، انداختن، له کردن، شکستن یا واژگون کردن) افزایش می‌دهد. باید نیازهای افرادی را که محدودیت‌های دیداری دارند، در نظر بگیریم. برای مثال، محل نشستن مناسبی از نظر روشنایی به افراد کم‌بینا پیشنهاد دهیم یا موانع موجود در مسیر رفت‌وآمد مهمان‌های نابینا را به حداقل برسانیم؛ همچنین باید فضای راحت و مفرحی برای هریک از مهمان‌ها با هر شرایط و سن‌وسالی فراهم کنیم و بخشی از مهمانی را به آن‌ها اختصاص دهیم. برای مثال، افراد سالمند به جایی راحت برای نشستن، افراد مذهبی به مکان مناسبی برای خواندن نماز، افراد سیگاری به محل مجزایی برای کشیدن سیگار و کودکان به محیطی مناسب برای بازی نیاز دارند. برخی از افراد هم ذائقه یا ممنوعیت‌های

غذایی خاصی دارند و بهتر است این محدودیت‌ها را از مهمان‌ها پرسیم. علاوه بر این، خوب است قبل از شروع مهمانی، جارختی و جاکفشی خانه را خالی کنیم و از مهمان‌ها بخواهیم کفش و لباس‌های خود را آنجا قرار دهند تا از شلوغی خانه و جابه‌جاشدن وسایل جلوگیری شود. اگر هم فردی با آسیب بینایی در بین مهمان‌ها هست، می‌توانیم وسایل او را بگیریم و در مکان‌های مناسب بگذاریم؛ ولی باید محل قرارگیری وسایل را به او بگوییم تا در نبود ما هم بتواند آن‌ها را پیدا کند. خوب است با توضیح و نشان‌دادن بخش‌های مختلف خانه (مانند دستشویی، محل نشستن سایر مهمان‌ها و آشپزخانه) برای فرد نابینا یک تصور نسبی از فضا ایجاد کنیم تا بیشتر احساس راحتی کند.

## مرتب کردن خانه

با توجه به محدودیت‌های بینایی، خوب است سعی کنیم همیشه خانه‌مان به‌طور نسبی منظم باشد و بعد از هر فعالیتی (مانند آشپزی یا بازی کودکان با اسباب‌بازی‌ها) همه‌چیز را مرتب کنیم؛ چراکه از اتفاق‌هایی مثل خورده‌شدن وسایل با جاروبرقی یا شکستن ظروف بدجا جلوگیری می‌شود. وقتی چیزی کثیف است، به‌طور معمول چرب، لیز، چغری، نوچ یا بدبو می‌شود که ما با لمس کردن یا بوییدن می‌توانیم این موارد را تشخیص دهیم؛ ولی بهتر است که برنامه منظم تمیز کردن و شست‌وشو در خانه داشته باشیم. برای جاروزدن و تمیز کردن سطوح، باید کار را از یک گوشه شروع کنیم و ردیف‌به‌ردیف جلو برویم و این نظم خطی را حفظ کنیم. بهتر است حین انجام این کارها، از دمپایی یا دستکش استفاده نکنیم تا بتوانیم با کمک پاها و دست‌های خود، کثیفی‌های جامانده را شناسایی و رفع کنیم. همیشه به تمیز کردن چوب‌های وصل‌کننده پایه‌ها

به هم، زیر میزها و گوشه‌های مبل و فرش توجه بیشتری داشته باشیم؛ چراکه محل خوبی برای تجمع گردوغبار و آشغال هستند و حتماً از گوشه‌گیر جاروبرقی برای تمیز کردن این قسمت‌ها استفاده کنیم یا این نواحی را بیشتر دستمال بکشیم. برای گردگیری مبل، طاقچه یا میز، باید تمام وسایل را از روی آن‌ها برداریم تا اشتباهی چیزی را نیندازیم؛ همچنین باید روانداها را (مانند رومبلی و رومیزی) بتکانیم و چند وقت یک‌بار آن‌ها را بشوییم. برای تمیز کردن پارچه مبل‌ها، باید از دستمال نمدار یا آغشته به شامپو فرش و برای براق‌شدن آن‌ها، از فرچه جاروبرقی استفاده کنیم. حتماً قبل از مهمانی باید حمام و دستشویی را با فرچه و تی مخصوص بشوییم و در آن‌ها، از تمیزی حوله‌ها مطمئن شویم و سطل‌های آشغال را خالی کنیم و بودن دستمال کاغذی و مایع صابون را بررسی کنیم و دمپایی کوچک برای خردسالان بگذاریم. در نهایت هم می‌توانیم با بررسی و کمک دوستان بینای خود به‌صورت حضوری یا اینترنتی از تمیزبودن بخش‌های خانه مطمئن شویم.

## تهیه کردن ملزومات

بهتر است ملزومات مهمانی را از یک روز قبل تهیه کنیم. این کار را می‌توانیم هم در فروشگاه‌های اینترنتی و هم به‌شکل خرید حضوری در فروشگاه‌های آشنا انجام دهیم. اگر برای خرید ملزومات خود از فروشگاه‌های مشخصی خرید کنیم، بعد از مدتی فروشندگان این مراکز ما را می‌شناسند و می‌آموزند چطور با ما برخورد کنند و می‌توانیم از کمک و راهنمایی‌هایشان استفاده کنیم. در خریدهای حضوری، استفاده از چرخ و ساک خرید نیز مفید است که حمل کردن خریدها را با وجود عصای

سفید ساده‌تر می‌کند؛ فقط باید خریدهای مقاوم‌تر را پایین‌تر و اجناس آسیب‌پذیرتر را بالاتر بگذاریم. در خرید می‌توانیم از کمک دوستان بینای خود هم استفاده کنیم.

## پذیرایی

با توجه به نابینا یا کم‌بینا بودنمان می‌توانیم اقلام پذیرایی را به حالت سلف‌سرویس بچینیم و از مهمان‌ها بخواهیم خودشان خوراکی‌هایی را که دوست دارند، بردارند یا علایق آن‌ها را بپرسیم و بعد، اقلام پذیرایی را به‌صورت پرس‌آماده کنیم و ظروف چیده‌شده را جلوی آن‌ها قرار دهیم. اگر افراد با آسیب بینایی در بین مهمان‌هایمان هستند، باید به آن‌ها محل و نوع وسایلی را که جلوی‌شان قرار می‌دهیم، بگوییم تا بتوانند آن‌ها را به‌راحتی پیدا کنند. خوب است اقلام پذیرایی را با کمک سینی‌های دسته‌دار و لبه‌دار ولی بدون پایه جابه‌جا کنیم تا موارد داخل آن را نریزیم. جنس سینی‌هایی که استفاده می‌کنیم باید مقاوم باشد تا در حین جابه‌جایی شکم ندهد و ظروف چیده‌شده در آن سر نخورند و به‌ویژه برای سینی‌های شیشه‌ای از روانداز استفاده کنیم تا لغزندگی سینی را بگیرد. برای آماده‌کردن نوشیدنی‌های مناسب، باید مایع نوشیدنی را مانند چای یا شربت، به‌اندازه‌ای که از قبل امتحان و مشخص کرده‌ایم، در لیوان‌ها بریزیم.

## محل نشستن

بهتر است در طول مهمانی، محل نشستن مهمان‌ها را روی زمین، صندلی یا مبل به‌گونه‌ای بچینیم که نه خیلی از هم فاصله بگیرند که احساس تنهایی کنند و نه چنان فشرده بنشینند که پذیرایی بین آن‌ها دشوار شود. باید حواسمان باشد که مانعی در مسیر رفت‌وآمدمان به‌عنوان میزبان وجود نداشته باشد و از مهمان‌ها هم بخواهیم که وسایلشان را سر راه نگذارند و بدجا نشینند. خوب است میزهای عسلی را بعد از ورود و نشستن افراد، جلوی مهمان‌ها قرار دهیم تا جابه‌جایی اولیه راحت‌تر شود.

## سفره غذا

غذاها و دسرها را می‌توانیم روی دیس وسط سفره یا میز بگذاریم تا مهمان‌ها هرچقدر که می‌خواهند، بکشند و بخورند؛ ولی بهتر است برای مهمان‌های نابینا، خوراکی‌های موجود را معرفی کنیم و بپرسیم چه می‌خواهند و آن‌ها را در ظرف‌هایشان بکشیم. وجود ظروف شخصی برای انواع خوراکی‌ها (مانند خورش، سالاد، ماست و ترشی) و گذاشتن قاشق جداگانه باعث می‌شود کسی احساس رودربایستی نکند و چیزی دست‌خورده نشود. گوشت، مرغ و ماهی غذا را هم بهتر است در تکه‌های کوچک بپزیم که مهمان‌ها برای تقسیم‌کردن و خوردن، به زحمت نیفتند. بد نیست که برای جداکردن استخوان‌ها، از انگشتان‌مان هم استفاده کنیم. باید دستمال کاغذی و دستمال پارچه‌ای برای انداختن روی پا هم در سفره بگذاریم. بهتر است سوپ را با قاشق‌های گود سوپ‌خوری بخوریم و مسئولیت تقسیم‌کردن نوشیدنی‌ها را هم به یک نفر بسپاریم؛ یا از نوشیدنی‌های تک‌نفره کارخانه‌ای استفاده کنیم. در مجموع، در خوردن غذا باید راحت باشیم و زیاد دست در سفره نچرخانیم و برای پیداکردن چیزهایی که می‌خواهیم، از دیگران بدون رودربایستی کمک بگیریم.

## فضای مفرح

برای صمیمیت بیشتر، خوب است با هریک از مهمان‌ها گفت‌وگو کنیم. می‌توانیم برای سرگرم کردن آن‌ها موسیقی یا فیلم پخش کنیم. باید ابزارهای بازی فکری و گروهی را برای خودمان مناسب‌سازی کنیم و با افراد بازی کنیم. وجود تخمه و آجیل هم فضا را دوستانه‌تر می‌کند. باید برای کودکان وسایل بازی و سرگرمی داشته باشیم. استفاده کردن از عکس‌ها و ظرف‌های کارتونی، کودکان را خوشحال می‌کند. انجام فعالیت‌های غافل‌گیرانه و انواع بازی‌ها و برپایی مسابقات، مهمانی را جالب‌تر می‌کند. در کنار این‌ها، باید قسمت آرام‌تری هم برای استراحت کردن افراد فراهم کنیم.

## سخن آخر

خوب است مهمان‌ها گروه‌گروه خانه را ترک کنند تا اشتباهی پیش نیاید. اگر افراد بینا در جمع کردن وسایل مهمانی به ما کمک می‌کنند، باید آن‌ها را به‌نحوی که ما می‌گوییم، جمع کنند و در مکانی که مشخص می‌کنیم، قرار دهند. در پایان بدانیم که کار هرکسی می‌تواند اشکال داشته باشد و نباید گرفتار کمال‌گرایی و اضطراب شویم. از اینکه تا انتهای مطلب همراه من بودید، متشکرم. هر پیشنهاد، انتقاد و سؤالی داشتید، از طریق واتساپ به شماره‌تلفن ۰۹۲۰۳۹۵۰۲۱۰ ارسال کنید. من هر ماه یک موقعیت چالش‌برانگیز جدید را معرفی می‌کنم و منتظر تجارب و نظرات ارزشمند شما هستم.

گفتنی است از میان صداهایی که در پاسخ به نخستین فراخوان محک تجربه برایمان ارسال کرده بودید، صدای ارسالی سرکار خانم فاطمه ظرافت‌انگیز برگزیده تشخیص داده شد و ایشان می‌توانند یادگاری ناقابل نسل مانا را دریافت کنند. شما هم می‌توانید این صدا را ذیل همین پست بشنوید. همچنین موضوعاتی را که در این نوشته خواندید، با دو تن از نابینایانی که در مهمانی رفتن و دادن جزو مجرب‌ها محسوب می‌شوند هم مطرح کرده‌ام که حاصلش یک فایل صوتی مفصل است که می‌توانید ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا آن را بشنوید.

## پرورش اعتمادبه‌نفس، راهکاری برای بسیاری از چالش‌های نابینایان

### امین عرب: دبیر آموزش و پرورش استثنایی فارس

در چالش‌هایی که افراد با آسیب بینایی هرروزه، با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، نقش اعتمادبه‌نفس کمتر مدنظر بوده و بدان توجه کافی نشده است. در این مطلب که برگرفته از یک پست در وبلاگ [ارتباطات شغلی](#)، نوشته‌شده‌ی شانون کارولو<sup>۱</sup> است، به تأثیر اعتمادبه‌نفس بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد با آسیب بینایی و راه‌هایی برای افزایش این مهارت می‌پردازیم.

اعتمادبه‌نفس چه تأثیری بر شانس استخدام شما به‌عنوان فردی با آسیب بینایی دارد؟

<sup>۱</sup> Shannon Carollo

آیا تابه‌حال با افرادی که فکر می‌کنند از هر چیزی سر در می‌آورند مواجه شده‌اید؟ همان افرادی که اعتمادبه‌نفس بیش از حد بالایشان، حال آدم را به هم می‌زند. تأکید می‌کنم که منظور من این نوع اعتمادبه‌نفس کاذب نیست. در عوض می‌خواهم اصطلاح جدیدی ابداع کنم که منظور من از اعتمادبه‌نفس را روشن‌تر و واضح‌تر بیان کند: اعتمادبه‌نفس متواضعانه.

فکر می‌کنید اعتمادبه‌نفس و تواضع متناقض‌اند؟ من این‌طور فکر نمی‌کنم. تعادل بین تواضع و اعتمادبه‌نفس ضروری است. این بدان معنا است که شما از آنچه هستید، مطمئنید و به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود آگاهی؛ با این حال برای خودتان، بیش از اعضای گروه‌تان ارزش قائل نمی‌شوید و مهارت‌های



آن‌ها را نیز تشخیص می‌دهید. این تنوع در استعدادها و مهارت‌ها بدین معناست که شما در قالب یک گروه قدرتمندتر و مؤثرتر هستید.

حال به این بپردازیم که این اعتمادبه‌نفس متواضعانه چگونه شانس استخدام شما را افزایش می‌دهد. با داشتن اعتمادبه‌نفس متواضعانه:

\* می‌دانید که در چه چیز مهارت دارید و می‌توانید پیش‌بینی کنید که مهارت‌های شما چگونه می‌تواند باعث پیشرفت و رشد یک شرکت شود.

\* می‌توانید به‌سادگی در مورد استعدادها و تجربیاتتان بحث کنید؛ زیرا آن‌ها را تشخیص می‌دهید و برایشان ارزش قائلید.

\* مردم، به‌ویژه کارمندان بالقوه، به نقاط قوت شما ایمان خواهند داشت؛ زیرا مطمئن و قابل اعتماد به‌نظر خواهید رسید.

\* اگر خود و آسیب‌بینایی‌تان را پذیرفته باشید، یک کارفرمای خوب هم، شما و آسیب‌بینایی‌تان را می‌پذیرد. اعتمادبه‌نفس شما مسری خواهد بود و دیگران را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

\* می‌توانید بر اساس خواسته‌ها و نیازهای خودتان، تصمیمات شغلی‌تان را بگیرید. به‌عبارت دیگر، می‌توانید نقش فعالی در جایگاه شغلی خود ایفا کنید.

\* زبان بدن قاطعانه شما که در نتیجه اعتمادبه‌نفس آن را به‌دست آورده‌اید، جذاب و تأثیرگذار خواهد بود.

\* می‌توانید برای پیشرفت در حرفه خود، ریسک‌هایی حساب‌شده بپذیرید؛ زیرا به ترس فلج‌کننده افراد فاقد اعتمادبه‌نفس دچار نیستید و قادرید تصور کنید که با پذیرفتن ریسک‌های حساب‌شده، پیشرفت خواهید کرد.

\* دیدگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به خود دارید و به محدودیت‌هایتان آگاهی؛ بنابراین، می‌دانید چه زمانی باید از تسهیلات شغلی مرتبط با آسیب‌بینایی‌تان استفاده کنید. می‌دانید چه زمانی لازم است تغییراتی ایجاد کنید یا به‌دنبال آموزش برای دستیابی به شغل یا بهبود عملکرد شغلی خود باشید.

\* پروژه‌های جدیدی را می‌پذیرید و به دیگران کمک می‌کنید؛ اما حدود مرزهایی را نیز مشخص می‌کنید و می‌توانید در صورت نیاز «نه» بگویید.

\*به استعدادهای دیگران احترام می‌گذارید و برای آن‌ها ارزش قائلید. این شما را به یک هم‌گروهی معمولی تبدیل می‌کند. آیا اعتمادبه‌نفس شما با این لیست جامع مطابقت دارد؟ اگر چنین است این فوق‌العاده است! من به شما افتخار می‌کنم و معتقدم شما می‌توانید مربی ارتباط شغلی باشید. اگر نه، چند دقیقه وقت بگذارید و بررسی کنید که در این مقیاس اعتمادبه‌نفس متواضعانه، کجای کار هستید. این ارزیابی می‌تواند باعث پیشرفت شما شود.

حال که به اهمیت اعتمادبه‌نفس در شانس استخدام پی بردیم، باید ببینیم چگونه می‌توان اعتمادبه‌نفس را در افراد با آسیب بینایی پرورش داد؟

وینس لومباردی<sup>۱</sup> می‌گوید: «نبردهای زندگی همیشه مال آدم‌های قوی‌تر یا سریع‌تر نیست؛ اما دیر یا زود کسی برنده می‌شود که به توانایی خود باور دارد.» به نظر درست می‌آید. نه؟

یک مصاحبه شغلی و دو مصاحبه‌شونده را در نظر بگیرید که واجد شرایط مشابه باشند. یکی نامطمئن و نگران به نظر می‌رسد؛ در حالی که دیگری با اطمینان و به‌وضوح بیان می‌کند که استخدام او چه سودی برای شرکت خواهد داشت. کسی برنده می‌شود که به توانایی خود باور دارد.

اما افراد کم‌رو یا بی‌تجربه چگونه اعتمادبه‌نفس خود را پرورش دهند؟

آیا قطعاً KJZZ را در مورد چهار نوجوان با آسیب بینایی که برای پیاده‌روی در گراند کنیون آماده می‌شوند، خوانده‌اید. عجب مثالی است برای افزایش اعتمادبه‌نفس. این گروه مشغول آموزش پیاده‌روی‌های کوتاه‌مدت‌اند؛ تا زمانی که بدن و ذهن آن‌ها برای پیاده‌روی در گراند کنیون آماده شود. این گروه با استفاده از آموزش، اعتمادبه‌نفس خود را تقویت می‌کنند؛ نه با حرف‌زدن با خودشان برای احساس راحتی. با تجربه موفقیت، اعتمادبه‌نفس آن‌ها افزایش می‌یابد.

پیشنهادهای من به شما که یک کارمند با آسیب بینایی هستید یا در آینده کارمند خواهید شد، برای کسب تجربیات موفق و در نتیجه، افزایش اعتمادبه‌نفس به شرح زیر است:

\*برای فراگیری آموزش‌های ویژه افراد با آسیب بینایی وقت بگذارید. یادگیری و تسلط بر فناوری‌های کمکی، جهت‌یابی و تحرک، تفریح و اوقات فراغت، خودسازمان‌دهی، سواد و مهارت‌های جبرانی (از قبیل استفاده از کامپیوتر، موبایل و یادداشت‌برداری) و مهارت‌های زندگی مستقل را در اولویت قرار دهید. اگر این مهارت‌ها را یاد نگیرید و سعی نکنید استفاده از آن‌ها را جایگزین شیوه معمول زندگی‌تان کنید، به‌جای اعتمادبه‌نفس، ناامیدی شما افزایش خواهد یافت.

\*تمام مهارت‌های مرتبط با شغل‌تان را ارزیابی کنید. عملکرد شغلی خود را بسنجید و سلامت جسمی و روانی‌تان را بررسی کنید. برای اطمینان از اینکه خودارزیابی دقیقی دارید، بازخورد چند نفر از افراد مورد اعتماد را جویا شوید. اهدافی را برای افزایش، یا بهتر است بگوییم، آموزش مهارت‌هایی که در آن‌ها ضعف دارید، تعیین کنید. در کنفرانس‌های مرتبط شرکت کنید، دوره‌های آموزشی بگذرانید، تحقیقات آنلاین انجام دهید و از راهنمایی افراد باتجربه و مشاوران شغلی استفاده کنید. در مرحله بعد، مهارت‌های کسب‌شده را به‌طور مکرر از طریق کار داوطلبانه یا پروژه‌های کاری کوچک، تمرین کنید. فکر کنید، در مسیرهای پیاده‌روی تمرین کنید تا برای گرند کنیون آماده شوید.

<sup>۱</sup> Vince Lombardi مربی راگبی (فوتبال آمریکایی) و مدرس شناخته‌شده دوره‌های موفقیت

\*ژست قدرتمندانه بگیرید. از نظر علمی ثابت شده است که نگه‌داشتن ژست قدرتمندانه و مطمئن، برای حداقل دو دقیقه اعتمادبه‌نفس شما را افزایش می‌دهد. زمانی که نیاز به تقویت اعتمادبه‌نفس دارید، چند دقیقه در خلوت وقت بگذارید و یک ژست قدرتمندانه بگیرید. با این کار خودتان را برای یک تجربه موفقیت‌آمیز آماده خواهید کرد.

(\*برای موفقیت لباس بپوشید. قبلاً در وبلاگم در مورد ستادی نوشتیم که در کلاس گفت: «لباس‌های قدرتمندانه بپوشید تا موفق به نظر برسید». بله، قطعاً اثرگذار است. شما با پوشیدن لباس مناسب، هم دیگران را تحت‌تأثیر قرار می‌دهید و هم خودتان احساس قدرت می‌کنید.

\*به‌دنبال فرصت‌هایی برای آموزش یا راهنمایی گرفتن از دیگران، در زمینه توانمندی‌ها و تخصص‌های خود باشید. موارد گفته‌شده، در کسب اعتمادبه‌نفس به شما کمک می‌کنند. اگر در زمینه خاصی اعتمادبه‌نفس ندارید و این شما را آزار می‌دهد، برای بهبود آن تمرین کنید. آیا می‌توانید در همه جنبه‌ها، مثل تجارت و مهارت موفق باشید؟ قطعاً نه؛ اما آیا شدنی است که در زمینه‌ای که برای شما اهمیت دارد و بر آن متمرکزید، اعتمادبه‌نفس کسب کنید؟ بی‌تردید.

## تازه‌های کتاب صوتی

### رقبه شفیع: کتاب‌دار بخش نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

در این مطلب، قصد داریم فهرستی از تازه‌ترین کتب را که فقط به‌جهت استفاده نابینایان و کم‌بینایان به گوهر صوت آراسته شده‌اند، تقدیم گوش‌هایی کنیم که علاقه‌مند به شنیدن، از زبان یار مهربان هستند. لازم به ذکر است علاقه‌مندان می‌توانند کتاب‌های



معرفی شده و سایر کتب ضبط‌شده را از تمامی مراکز کتابخانه‌ای ویژه نابینایان در سراسر کشور، مطالبه کنند.

اما فهرست کتاب‌های تازه‌ای که در این شماره با شما به اشتراک گذاشته‌ایم:

\* «تجسمی نو برای نابینا»، گزیده‌ای از مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های «هلن کلر» با ترجمه شهاب آتشکار است که نشر میر، سال ۱۳۹۳ در ۹۷ صفحه به چاپ رسانده است.

در مقاله «تجسمی نو برای نابینا» می‌خوانیم: من از شیرینی‌پزی‌ها، کارخانه‌ها و زاغه‌های شلوغ نیویورک و واشنگتن دیدار کرده‌ام؛ البته که نمی‌توانستم کیفی‌ها را ببینم؛ اما اگر نمی‌توانستم ببینم، می‌توانستم بوی آن را استشمام کنم. من توانستم با دستان خودم بچه‌های ریزنقشی را لمس کنم که از برادران و خواهران کوچک‌ترشان مواظبت می‌کردند؛ در حالی که مادران‌شان در کارخانه‌هایی در همان نزدیکی، از ماشین‌های تولید مواظبت می‌کردند. فراتر از کتاب‌ها و تجارب شخصی، من این امتیاز را داشتم که ذهنم را با فکر کردن تمرین دهم. در صحبت‌هایی که با بسیاری از مردم داشتم، تفکر، بچه و نابالغ باقی مانده است؛ در میان تحصیل‌کردگان، اندیشیدن امری نادر است و ذهن‌شان به‌مرور زمان تبدیل به ماشین‌های خودکار می‌شود. اگر کسی فکر کند، لاجرم به نتایجی می‌رسد و این نتایج، همیشه نه مطبوع که نیشتری بر روح است؛ اما از نظر من، اندیشیدن موهبتی گران‌بها و مسئولیتی ژرف است.

\* «هجوم به خانه صدیقه طاهره علیهاالسلام» اثر عبدالرضا مهدی را نشر تک سال ۱۳۹۱ در ۲۵۱ صفحه تقدیم علاقه‌مندان کتب مذهبی کرده است.

در این کتاب قصد آن است که تصویری خالی از موضع‌گیری نابخردانه درباره یکی از رویدادهای زندگی دخت پیامبر خدا، محمد مصطفی (ص) ارائه شود. سعی بر آن است که اصول مطالبی که بدان استدلال می‌شود، از کتب معتبر شیعه و سنی بوده و نظرات طرفین نیز بررسی شود.

\* «زنان نامدار»، نوشته محمود طلوعی را نشر علم سال ۱۳۹۰ در ۴۱۶ صفحه تقدیم علاقه‌مندان تاریخ کرده است. این کتاب شرح حال زنانی را در بر می‌گیرد که هریک به مناسبتی در طول تاریخ شهرت یافته‌اند. با شرح احوال زنان نامدار و تأثیرگذار عهد باستان آغاز می‌شود و با تاریخ پیش می‌رود. شرح حال زنانی که بیشترین تأثیر را در طول تاریخ بر جای گذاشته‌اند، مفصل‌تر است و در مورد بعضی از آنان، فصل جداگانه‌ای اختصاص یافته؛ ولی بخش عمده کتاب در مورد زنانی است که هریک در دوره‌ای یا کشوری نقش‌آفرینی کرده‌اند یا در رشته‌ای مانند دانش و هنر و نویسندگی شهرت یافته‌اند. بخش پایانی کتاب، به زنان نامدار ایرانی اختصاص یافته است. ملاک اصلی شهرت و تأثیرگذار بودن، زنانی است که از آنان نام برده شده و خصوصیات نیک یا بدشان در شرح احوال‌شان آمده است.

\* «تقریرات مصدق در زندان (درباره حوادث زندگی خویش)»، یادداشت‌شده به اهتمام جلیل بزرگمهر را انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن سال ۱۳۹۹ در ۲۱۹ صفحه روانه بازار کتاب کرده است.

این اثر که به‌همت جلیل بزرگمهر به یادداشت درآمده و سخنان دکتر محمد مصدق را درباره حوادث زندگی خویش در بردارد، به کوشش ایرج افشار تحریر و تنظیم شده است. جلیل بزرگمهر در فاصله دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر دکتر مصدق، ملاقات‌هایی را با وی ترتیب داد که در مجموع بیست و دو جلسه این ملاقات‌ها، گفت‌وگوهای خود با دکتر مصدق را مکتوب کرده و حتی برخی از آن‌ها را برای وی خوانده و اصلاحات مدنظر او را نیز اعمال نموده است.

اثر با خاطراتی از دوره مشروطه و ملاقات‌هایی با محمدعلی‌شاه آغاز می‌شود و سپس به وقایع تقلیس و باتومی می‌پردازد. این چهره بزرگ ملی و سیاسی از عنفوان جوانی به‌طور پیوسته بین ایران و کشورهای دیگر جهان در حال رفت‌وآمد بوده؛ لذا از تحصیلات در پاریس و سوئیس گرفته تا اقامت در نوفل‌لوشاتو و قفقاز، هربار به‌جهتی به کشورهای مختلف پا می‌نهد و سپس به میهن بازمی‌گشت. این کتاب علاوه بر شرح اقامت دکتر مصدق در کشورهای خارجی و حتی ایالت‌های مختلف ایران، رویدادهای برجسته زندگی او را بازگو می‌کند و به مهم‌ترین جریان سیاسی و اقتصادی حیات دکتر محمد مصدق و حتی تاریخ ایران، یعنی ملی‌شدن صنعت نفت می‌پردازد.

در انتهای کتاب، علاوه بر سال‌شمار زندگی وی، نام اشخاص و تصاویر نیز قرار گرفته که می‌تواند توجه مخاطبان را جلب کند.

\* «شکار شبانه» نوشته صمد طاهری را نشر افراز در ۱۲۸ صفحه منتشر کرده است.

در داستان‌های این مجموعه، روابط انسانی در اشکال مختلف واکاوی می‌شوند. نویسنده، خیانت و عشق را در برابر هم یا روبه‌روی احساسات متناقض دیگر قرار می‌دهد. تم غالب داستان‌ها، خیانت و جست‌وجو است.



\* «تکنیک‌های حرفه‌ای فن بیان، گویندگی و سخنوری»، اثری از خسرو محمودیان است که انتشارات نامه پارسی، سال ۱۳۹۶ در ۱۹۲ صفحه به چاپ رسانده است.

بر هیچ کس پوشیده نیست که مهم‌ترین زمینه‌های پیشرفت و رسیدن به محبوبیت و در پی آن، رسیدن به موفقیت در جامعه کنونی ما، داشتن بیان خوب است؛ بیان خوب منجر به محبوبیت و محبوبیت منجر به موفقیت می‌شود؛ به همین خاطر، در این کتاب مجموعه‌ای از ساده‌ترین و در عین حال، جامع‌ترین روش‌هایی که می‌توان از طریق مطالعه آن و انجام تمرین‌های مستمر، در کوتاه‌ترین زمان، تغییرات واضحی را نسبت به گذشته در بیان ایجاد کرد، ارائه شده است؛ به‌گونه‌ای که این تغییر برای افراد پیرامون که تاکنون با فرد در تعامل بوده‌اند، به‌سادگی قابل تشخیص خواهد بود.

\* «سه دختر حوا» رمانی از الیف شافاک با ترجمه مریم طباطبایی‌ها را نشر نون، سال ۱۳۹۶ در ۴۴۸ صفحه روانه بازار کتاب کرده است.

کتاب، داستان زندگی زنی است که میان عشق و باورهایش قرار گرفته است. باورهایی که نمی‌داند کدام‌شان درست و کدام‌شان غلط است. جست‌وجوی او برای درک مفهوم زندگی و عشق، او را به ورطه‌های تازه و ماجراهای گوناگون می‌کشاند.

\* «مردم بدانند؛ مقاله‌های گزینش شده پیرامون نیازهای سیاسی، اجتماعی و تاریخی کشور»، تألیف هوشنگ مظاهری را نشر غزل سال ۱۳۸۱ در ۸۸ صفحه منتشر کرده است.

این کتاب حاوی مقالاتی با عناوین «روحانی یا معمم، وصله‌پینه، امت برابری انسانی، افزایش شومی در ایران، سخنی با مدیرکل دادگستری استان اصفهان، محاکمه گروه کاوه، مطالعه و فروش آثار شریعتی، نوروز و تخریب، از خود فراری‌ها، صلوات اضافه، دلایل کاهش هم‌بستگی‌های روانی، اجتماعی و دینی در شهر تهران مقابله با موسیقی، نابینایان اسیر نردبان ترقی دیگران، نام و نام‌خانوادگی طولانی، در کربلا چه گذشت؟ نگرشی

بر تحریف آن واقعه، تخریب آثار تاریخی، نقش غریبان مدفون در اصفهان در انتقال فرهنگ ایرانی و لبخند» است که هر یک ممکن است برای خواننده جذابیت داشته باشد.

\* «به جهنم و جاهای دیگر»، اثری از مادلین آلبرایت با ترجمه علی مجتهدزاده را نشر پارسه سال ۱۳۹۹ در ۴۳۲ صفحه روانه بازار کرده است.

کتاب حاوی خاطرات مادلین آلبرایت پس از سال ۲۰۰۱ و پایان دوران کار دولتی اوست و در آن از ماجراهایی چون دوران وحشت محض پس از حوادث یازدهم سپتامبر، حمله آمریکا به عراق، رکود و ورشکستگی اقتصادی فراگیر در کشور، دوران زمامداری ۳ رئیس‌جمهور کاملاً متفاوت در کشور و زایش دوباره تمایلات ضددموکراسی در بسیاری کشورها و از جمله خود آمریکا سخن می‌گوید.

\* «می‌ترسم یادت برود دوستم داشتی»، اثری از زیتا ملکی برای گروه سنی (۵) را کانون فکری کودکان و نوجوانان سال ۱۳۹۵ در ۸۸ صفحه به چاپ رسانده است.

کتاب به پرداخت مناسب شخصیت‌ها و توصیف عمیق احساسات و افکار آن‌ها پرداخته و همچنین صحنه‌ها را با جزئیات توضیح می‌دهد و با این روش به بیان جذاب داستان می‌پردازد.

هرکس به من می‌رسید، دوست صمیمی‌اش را انتخاب کرده بود. دوستی که به او کفش و مدارنگی و بلوزش را قرض بدهد. دوستی که با او از رازهایش بگوید و دو نفری انگشتی قدیمی را زیر درخت چناری خاک کنند.

## نسل مانا

### اثر مشترک بیتا و یکی دیگر از مخاطبان نسل مانا

بزم را شور بی‌اندازه رسید	خبر آمد، خبری تازه رسید
می‌رود در همه‌جا دست‌به‌دست	نسل مانا متولد شده است
جمله را هست مطابق بر میل	نسخه صوتی و متنی بریل
نسل مانا چه خوش آمد به میان	بهر آگاهی نابینایان
هرکسی دست زده بر کاری	در چنین نشریه پُرباری
تا کشد سر به مقالاتِ مقول	سرمدی گشته مدیرِ مسئول
هرکه کاری به فراخور کرده	نخبگان را همه گرد آورده
هر نویسنده نماید ابراز	دانشی را که بدان هست نیاز
دهد این نشریه را آوازه	هر مقاله به نگاهی تازه
علمی و فنی و هرچه خواهی	اجتماعیست مطالب گاهی
متنوع، متغیر، بسیار	جدی و طنز و مهارت در کار
گاه اخبار جهانی، پُرمغز	گاه از ترجمه‌های خوش و نقض
دارد از بهر مخاطب تأثیر	در تخصص همه آگاه و خبیر
یک مجله به از این نشریه نیست	الحق این نشریه استثنایی است

## چرا نباید بریل بدانیم



### نویسنده: یخ نکنی نمکدون

در ماه گذشته روز جهانی بریل را پشت سر گذاشتیم. آری بریل هم برای خودش روز جهانی دارد. تعجبنا طبیعی است؛ چراکه مثل خیلی مسائل دیگر که همه‌جای دنیا به آن‌ها اهمیت می‌دهند، بریل در کشور ما کمترین توجه را نزد آن‌هایی که باید، به خود اختصاص داده است؛ البته این خارجی‌ها در کل خیلی نازک‌نارنجی هستند. آن‌ها یکی از فاکتورهای باسوادبودن نابینایان را بلدبودن خواندن و نوشتن به خط بریل می‌دانند. ما به‌شدت این موضوع را رد کرده و آن را محکوم می‌کنیم. در همین کشور خودمان کسانی را داریم که تا مقطع دکتری درس خوانده‌اند و کمترین آشنایی با بریل را هم ندارند؛ البته در مورد این افراد مشکل کوچکی وجود دارد و آن‌هم خواندن مطالبی است که با رایانه تایپ می‌کنند؛ چراکه باید کارگروهی تشکیل شود و مثل خطوط باستانی، این نوشته‌ها را رمزگشایی کنند؛ چراکه غلط‌های املائی موجود در این متون، گهگاه این نوشته‌ها را به چیز دیگری تبدیل می‌کند که اصلاً منظور نویسنده نیست و نیاز به درک عمیق‌تری از سوی کارشناسان امر دارد. از نظر این دوستان نابینا، ما در نوشتن، تنها یک نوع ز و یک نوع س و یک نوع ت و امثال این‌ها را داریم. اگر هم این حروف انواع دیگری دارند، ضعف زبان ماست و مقصرش نابینایی که بریل نمی‌داند، نیست؛ البته ما هم به ایشان حق می‌دهیم. خب چه کاریست که شما هم سپاسگزارید و هم برگزار می‌کنید و این‌ها را یک‌جور نمی‌نویسید! اصلاً از ژ یاد بگیرید که هم یک مدل است و هم خیلی کم وارد متون می‌شود و نابینایان با او هیچ مشکلی ندارند. خیلی هم در کلام دوستان اهل دل پُر استفاده است و به‌جای انواع ز، از این حرف کارراه‌انداز استفاده می‌شود؛ البته حرف ش هم در ادبیات این دوستان به‌جای انواع س استفاده می‌شود. یکی از توصیه‌های ما به نابینایان این است که برای کمترشدن غلط‌های املائی در نوشته‌هایشان از حروفی که در کلام دوستان اهل دل به‌کار می‌رود، استفاده کنند؛ چرا که به‌شدت از تعدد حروف کاسته شده و کار نوشتن را راحت‌تر می‌کند.

یکی از نکاتی که Q به‌عنوان یک کارشناس خبره باید به آن اشاره کنیم، این است که اگر بعضی از دوستان نابینای هم‌وطن ما با بریل آشنایی ندارند، دلیلش این است که مسئولین کشور ما صلاح را در این ناآگاهی دیده‌اند. اصلاً چه کاریست که ما در کار مسئولین زحمت‌کشان دخالت کنیم! اگر آموزش و پرورش سیاستش صوتی‌کردن منابع درسی دانش‌آموزان نابیناست، لابد صلاح است که این‌گونه باشد. چرا باید در مسائلی که در آن تخصص نداریم، دخالت کنیم! اگر نماینده محترم مجلس که با رأی خودمان ایشان را به مجلس فرستاده‌ایم، می‌گوید بریل کردن قوانین، بار مالی زیادی دارد و نیازی نیست، باید به تصمیم ایشان احترام بگذاریم. اگر قبولش نداشتیم، پس چرا به او رأی دادیم! اگر سازمان بهزیستی که اصلی‌ترین متولی معلولین و نابینایان در کشور است، بریل را چیز به‌دردبخوری برای نابینایان نمی‌داند، باید

آن را بپذیریم و به نهادی که در زمینه‌های مختلف به‌طور کامل حامی ماست، اعتماد کنیم و نظرات کارشناسی‌شده‌اش را روی دیدگان

خاموشمان بگذاریم. اگر ما از دار دنیا تنها یک روزنامه داریم که به خط بریل چاپ می‌شود و بعد از مدتی، چاپش متوقف می‌شود و فقط روی سایتش می‌شود آن را خواند، قطعاً حکمتی دارد و آن هم به‌روزشدن نابینایان در استفاده از فناوری‌های جدید است و مسئولین این روزنامه نیتشان خیر است و نباید به آن‌ها خرده گرفت. حال کاری نداریم که همان سایتش هم رو به تعطیلی رفته و هیچ بعید نیست که در راستای همین به‌روزرسانی نابینایان، آن‌ها مجبور شوند در سایر سایت‌ها و خبرگزاری‌ها اخبار مدنظرشان را پیگیری کنند.

راستش ما خودمان هم که کمی فکر کردیم، نفهمیدیم این بریل دقیقاً به چه کارمان می‌آید. اگر بخواهیم کتاب بخوانیم، نسخه صوتی آن را در گوشی ریخته و می‌خوانیم. کالاهایی هم که تولید می‌شوند، هیچ‌کدام نوشته‌های رویشان یا راهنمای داخلشان به بریل تبدیل نشده است. اخبار و رویدادها را هم می‌توانیم با گوشی و رایانه خود برویم در سایت‌ها و کانال‌ها بخوانیم. در کوچه و خیابان هم هیچ تابلوی راهنمایی به خط بریل وجود ندارد که بخواهیم مسیرمان را با آن‌ها پیدا کنیم. پس نتیجه می‌گیریم که حق با مسئولان است و بریل به کار ما نمی‌آید. فو‌قش چند غلط‌املایی است که آن هم مشکل خوانندگان متون نابینایان است، نه نویسنده.

با همه این‌ها ما نمی‌دانیم که چرا برادران سرمدی و

هاشمی از ما خواستند تا درباره این موضوع قلم‌فرسایی کنیم. تقصیر ماست که به‌عنوان یک صاحب‌نظر، عقلمان را دست این دو دوست عزیزمان داده‌ایم. آخر این هم شد موضوع که از ما خواستید به آن پردازیم؟ تازه در

این وضعیت دارند این ماهنامه را از این شماره به خط بریل هم چاپ می‌کنند. خب این نسخه بریل شما را دقیقاً چه کسانی باید بخوانند؟ ما که بریل بلد نیستیم و نمی‌توانیم بخوانیمش؛ ولی قول می‌دهیم اگر روزی به انجمنی که همیشه از روزنامه «ایران سپید» به‌عنوان سفره برای صرف ناهار استفاده می‌کرد، رفتیم، این بار افتخار داده و روی نسخه بریل این ماهنامه وزین و به‌خصوص روی صفحه مربوط به سرویس طنزش ناهارمان را میل کنیم.

در پایان جا دارد نهایت تشکر را از ماهنامه نسل مانا داشته باشیم که از این شماره حق‌التحریر این‌جانب را بیست درصد افزایش و تعداد کلمات نوشته‌هایمان را چهل درصد کاهش دادند. همین‌جا از مسئولین امر خواهش داریم تا از همکاران بنده در نسل مانا برای رفع مشکلات اقتصادی مردم نهایت استفاده را داشته باشند. اگر ماه بعد ما را نخواندید، پیشاپیش حلالمان کنید.

امضا: یخ‌نکنی نمکدون.

## توصیف طرح روی جلد و پشت جلد نسل مانا

### (ویژه خوانندگان نسخه بریل نشریه)

با احترام به مخاطبان گرامی نسل مانا، تهیه‌کنندگان این نشریه، جهت مراعات اصل زیبایی‌شناختی و چشم‌نوازی ظاهری ماهنامه، اقدام به طراحی روجلدی و پشت جلد برای هر شماره نشریه کرده‌اند که در این مختصر، توصیفی اجمالی از آن حضورتان تقدیم می‌گردد.

طرح روی جلد نسل مانا برای این ماه، در زمینه‌ای به رنگ آبی روشن طراحی شده و و لوگوی نسل مانا به خط چاپی معمولی و طرح خط بریل، با رنگ مشکی در زمینه‌ای زردرنگ، در بخش بالایی صفحه قرار داده شده است و خوانندگان بینا با نگاه به این طرح می‌توانند نوشته بریل نسل مانا را به درستی حدس بزنند. همچنین، نوبت و زمان انتشار هر شماره نیز در همین بخش درج شده است.

در بخش میانی صفحه، هر ماه به فراخور مناسبت‌ها و محتوا، تصویری قرار داده می‌شود که این ماه به مناسبت روز جهانی بریل و انتشار اولین نسخه بریل خط مانا، تصویر مرد جوان زیبایی با عینک دودی در حال خواندن بریل در این قسمت درج شده است.

در بخش پایین صفحه نیز برخی از عنوانین مقالات نشریه قرار داده می‌شود.

در پشت جلدی نسل مانا نیز که این ماه، طرحی زمستانی به رنگ سفید و آبی دارد، با حامیان نسل مانا آشنا می‌شوید. در این شماره، لوگوی بانک مسکن، شرکت فن‌آوا کارت و تصویری از برجسته‌نگار هوشمند تولید شرکت پکتوس از حامیان نسل مانا در این بخش قرار داده شده است.

در قسمت پایین طرح پشت جلد هم، لوگوی انجمن نمایان ایران، صاحب‌امتیاز نسل مانا درج شده و راه‌های ارتباطی نسل مانا هم در این قسمت قابل مشاهده است.



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: [www.naslemana.com](http://www.naslemana.com) / ایمیل: [info@naslemana.com](mailto:info@naslemana.com)

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.t.me/naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶